

## گزارشگری مالی برحسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری:

### آزمایش تجربی بار اطلاعاتی و زمینه‌یابی کاربردها

#### و محدودیت‌ها در ایران

دکتر حمید خالقی مقدم\* - حامی امیراصلانی\*\*

چکیده: هدف این مقاله پژوهشی آن است تا از طریق به کارگیری هم‌زمان دو روش‌شناسی مناسب، سودمندی اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را در ارزیابی ارزش پایه سهام، بازده سرمایه‌گذاری و مخاطره سرمایه‌گذاری تعیین و در عین حال، زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر افشای این‌گونه اطلاعات مالی در ایران را نیز شناسایی و معرفی کند. بر این اساس، با اتکا بر روش‌شناسی مبتنی بر آزمایش تجربی و زمینه‌یابی مقطعی مبتنی بر پرسشنامه، تلاش همه‌جانبه‌ای به عمل آمده است تا فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گیرد. نتایج حاصل از قریه‌پیمایی انجام شده در این پژوهش تا حد زیادی نظریه‌های موجود و مرتبط با موضوع پژوهش در ادبیات مالی، اقتصادی و حسابداری را تأیید می‌کند. در حقیقت، آزمون فرضیه‌های پژوهش حکایت از سودمندی و تأثیر مثبت اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری در تحلیل‌های سرمایه‌گذاری داشته و منجر به شناسایی زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر

---

\* عضو هیأت علمی گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

\*\* دانشجوی دوره دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری شده است.

**واژه‌های کلیدی:** گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری -

استانداردهای حسابداری - تحلیل‌های سرمایه‌گذاری

## نوع کار پژوهشی

این پژوهش به لحاظ نوع کار، دارای دو بخش مجزا و مشخص است؛

در بخش اول، پژوهش درصدد است با استفاده از روش‌شناسی مناسب، ارتباط درونی متغیرهای مشخصی را بررسی کند. در واقع، پژوهش در پی دستیابی به وجود یا نبود رابطه معنی‌دار آماری میان متغیرهای تعریف شده است. بر این اساس، با اتکا بر روش‌شناسی مبتنی بر آزمایش تجربی سعی شده است تا اثر عواملی غیر از متغیر مستقل، ثابت نگهداشته شود و تنها اثر این متغیر بررسی گردد؛ ضمن آن‌که در همین راستا، فرایند عامل ارتباط میان متغیر مستقل با متغیر وابسته نیز مورد توجه می‌باشد. نظر به این‌که در این حوزه، دست‌یافتن به وجود یا نبود رابطه معنی‌دار آماری میان متغیرهای پژوهش مدنظر است، بنابراین ابعاد بنیادی<sup>۱</sup> مورد توجه قرار دارد.

در بخش دوم، پژوهش در پی بررسی زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر متغیر مستقل است. به بیان دیگر، تلاش همه‌جانبه‌ای به عمل می‌آید تا اولاً - زمینه‌هایی که در آن می‌توان از متغیر مستقل به طور مؤثر برای تغییر در متغیر وابسته استفاده کرد، مورد شناسایی قرار گیرد، و ثانیاً - محدودیت‌های حاکم بر فرایند اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته نیز تعیین شود. با توجه به این‌که در این بخش، شناسایی زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر به کارگیری متغیر مستقل پژوهش، مورد نظر است، بنابراین ابعاد کاربردی<sup>۲</sup> مورد توجه قرار دارد.

---

1- Fundamental Dimensions.

2- Applied Dimensions.

### کلیات موضوع پژوهش

در عرصه فعالیت واحدهای تجاری، حسابداری همواره به عنوان ابزاری مؤثر در فرایند تهیه و ارائه اطلاعات سودمند برای قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تلقی می‌شود. از این رو، محور بسیاری از استدلال‌های مطرح شده برای حمایت از فلسفه وجودی دانش حسابداری، تأکید بر فرایند قضاوت و تصمیم‌گیری به وسیله استفاده‌کنندگان است.

در همین ارتباط، مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی کشورهای مختلف جهان، ضمن اتکا بر سطح رفتاری نظریه حسابداری، بر گزینش اطلاعات مناسب برای برآوردن نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گوناگون در فرایند قضاوت و تصمیم‌گیری تأکید دارند؛ و در این خصوص، تأکید مضاعفی بر برآوردن نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه صورت می‌گیرد. در واقع، بر پایه مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی کشورهای مختلف جهان و از آن جمله آمریکا (FASB 1978 par.34)، انگلستان (ASB 1999 Chapter 1)، کانادا (CICA 1998 par. 1000.11) و ایران (کمیته فنی سازمان حسابرسی ۱۳۸۰ الف، بند ۵-۱) سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه به عنوان اصلی‌ترین استفاده‌کننده از اطلاعات صورت‌های مالی تلقی می‌شوند.

این گروه از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نیازمند اطلاعاتی هستند که آنان را در مسیر شکل‌گیری انتظارات منطقی و عقلایی درباره جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری شامل ارزیابی مخاطره مربوط به انحراف مبالغ و زمان دست‌یابی به این جریان‌های نقدی از انتظارات شکل‌گرفته، یاری دهد. به بیان دیگر، سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در پی اطلاعاتی هستند که بر پایه آن، ارزیابی مخاطره و بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر باشد. این در حالی است که بر پایه نظریه‌های مالی، ارزش هر دارایی (مالی یا غیرمالی)، و از آن جمله سرمایه‌گذاری در سهام واحدهای تجاری، از طریق محاسبه ارزش فعلی عایدات آتی حاصل از آن دارایی تعیین می‌شود (Ross et al. 1990, 115). افزون بر این، محاسبه ارزش فعلی عایدات آتی، خود تابعی از ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری و بازده مورد انتظار از آن است؛ و در همین راستا، نرخ بازده و مخاطره تا حد زیادی تابعی از فرصت‌های موجود برای ایجاد رشد، دست‌یابی به سودآوری و حفظ ثبات در عرصه رقابت است.

صورت‌های مالی ارائه شده از سوی واحدهای تجاری می‌تواند به منزله مبنای مناسبی برای ارزیابی مخاطره و بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاری تلقی شود، اما بهره‌گیری از اطلاعات صورت‌های مالی در این راستا با محدودیت‌های عدیده‌ای روبه‌روست؛ از جمله آن‌که اطلاعات ارائه شده در قالب صورت‌های مالی صرفاً تصویری کلی از فعالیت‌های واحد تجاری را ارائه می‌کند، کلیتی که اغلب متشکل از اجزای متنوع و گوناگونی است. در واقع، در بسیاری از موارد، صورت‌های مالی واحدهای تجاری دربرگیرنده مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که به لحاظ نوع و ماهیت، نرخ بازده و مخاطره، فرصت‌های موجود برای ایجاد رشد و نیازمندی‌های مالی از یکدیگر متفاوت می‌باشد. در چنین شرایطی، ارزیابی ابعاد مختلف واحد تجاری شامل ارزیابی مبالغ، زمان دستیابی و عدم اطمینان مربوط به جریان‌های نقدی آتی آن، که به نوبه خود تابعی از اجزای تشکیل‌دهنده فعالیت‌های واحد تجاری است، با دشواری همراه خواهد بود. بر همین اساس و در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های پیش روی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در تجزیه و تحلیل اطلاعات ارائه شده از سوی واحدهای تجاری فعال در عرصه‌های متنوع و گوناگون، موضوع گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری<sup>۱</sup> مطرح شده است. انتظار می‌رود که افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری بتواند زمینه مناسبی را برای ارزیابی بهتر ارزش پایه سهام، بازده سرمایه‌گذاری و مخاطره سرمایه‌گذاری فراهم آورد. در عرصه ادبیات مالی و اقتصادی می‌توان استدلال‌هایی را جستجو کرد که به طور مشخص از افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری حمایت می‌کند. برای نمونه، نظریه دقت<sup>۲</sup> که بر خاسته از ادبیات اقتصاد اطلاعات است، می‌تواند مبنای نظری پشتوانه افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را فراهم آورد (Marschak and Radner 1971: 53-59).

بر اساس مفاهیم حاکم بر این نظریه، یک نظام اطلاع‌رسانی مانند  $\eta_1$  تنها در صورتی به اندازه یک نظام اطلاع‌رسانی دیگر مانند  $\eta_0$ ، دقیق است که  $\eta_1$  به عنوان زیر مجموعه  $\eta_0$  تعریف

---

1- Segment Reporting

2- Fineness Theorem

شود؛ به بیان دیگر، چنانچه هر مجموعه از داده‌های طرح شده در قالب نظام اطلاع‌رسانی  $M_1$ ، ارائه‌کننده داده‌هایی تفصیلی درباره اجزا و قسمت‌های نظام اطلاع‌رسانی  $M_0$  باشد، می‌توان گفت که دقت  $M_1$  حداقل به اندازه  $M_0$  است. بر پایه این تعریف، می‌توان استنتاج کرد که ارزش نظام اطلاع‌رسانی  $M_1$  (که در قالب منافع مورد انتظار برای فرد تصمیم‌گیرنده، معنی‌دار می‌شود) حداقل به اندازه ارزش نظام اطلاع‌رسانی  $M_0$  است. با این حال، باید توجه داشت که در حوزه نظریه دقت، صرفاً منافع و ارزش حاصل از دو نظام اطلاع‌رسانی با یکدیگر مقایسه می‌شود و هیچ‌گونه توجهی به بار مالی اضافی مربوط به دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر مبذول نمی‌گردد. بر این اساس، همواره این احتمال وجود دارد که مخارج مربوط به تهیه و پردازش داده‌های تفصیلی درباره اجزا و قسمت‌ها، بر منافع متصور آن، فزونی یابد (Marschak and Radner, 1971: 60).

نظریه دقت دارای کاربرد کاملاً مشخصی در حوزه موضوع گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؛ چراکه ارائه اطلاعات مالی قسمت‌ها همراه با اطلاعات ارائه شده در قالب صورت‌های مالی واحد تجاری می‌تواند معرف نوعی نظام اطلاع‌رسانی باشد که در مقایسه با صورت‌های مالی واحد تجاری از دقت بیشتری برخوردار است (Mohr, 1983). افزون بر این، چنانچه افشای مواردی مانند درآمد قسمت، سود یا زیان قسمت، دارایی‌های قسمت و مواردی از این دست، هر یک به عنوان زیر مجموعه‌ای دقیق‌تر از نظام اطلاع‌رسانی کلی در قالب صورت‌های مالی واحد تجاری تلقی شود، می‌توان مجموعه‌ای از مقایسه‌های معنی‌دار را به لحاظ سنجش میزان دقت اجرا کرد؛ و بر پایه نتایج حاصل از این مقایسه‌ها، می‌توان درباره ارزش هر نظام اطلاع‌رسانی قضاوت کرد.

با گذر از مفاهیم حاکم بر نظریه دقت و حرکت به سوی نظریه‌های مالی و اقتصادی نیز می‌توان زمینه‌های جدیدی را برای طرح استدلال نظری در خصوص سودمندی اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، جستجو کرد. نظریه پردازان مالی و اقتصادی بر این باورند که سرمایه‌گذاران منطقی و عقلایی با در نظر گرفتن تابع مطلوبیت منحصر به فرد خود و نیز با عنایت به روابط مخاطره و بازده سرمایه‌گذاری، ناگزیر از به کارگیری اطلاعاتی هستند که منجر به گزینش بهترین مجموعه سرمایه‌گذاری شود؛ باشد تا از این طریق، ثروت و مطلوبیت

آنان به حداکثر ممکن افزایش یابد (Markowitz, 1952). در همین راستا، چنین استدلال می‌شود که افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری می‌تواند زمینه بازنگری و تجدیدنظر در ارزیابی‌های به عمل آمده از بازده مورد انتظار و ساختار واریانس / کوواریانس آن را فراهم کند.

بر این پایه، در پژوهش حاضر تلاش شده است با اتکا بر قواعد علمی اولاً - سودمندی اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری در ارزیابی ارزش پایه سهام و ارزیابی مخاطره و بازده سرمایه‌گذاری تعیین، و ثانیاً - زمینه‌های کاربرد اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری و محدودیت‌های حاکم بر افشای این نوع اطلاعات مالی در ایران شناسایی و معرفی شود.

### بیان مسأله پژوهش و پرسش‌های آن

استدلال نظری ارائه شده در جهت توجیه و حمایت از افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری از یک سو، و نتایج حاصل از پژوهش‌های تجربی اجرا شده در نقاط مختلف جهان از سوی دیگر، مراجع رسمی تدوین اصول، ضوابط و استانداردهای حسابداری را بر آن داشته است تا اقدامات گسترده‌ای را در راستای تدوین الزامات حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری به عمل آورند؛ و در همین ارتباط، بیانیه‌ها و استانداردهای حسابداری متعددی تهیه، تدوین و به مورد اجرا گذاشته شده است. در ایران نیز که کمیته تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی مسئولیت اصلی تدوین اصول و ضوابط لازم‌الاجرای حسابداری کشور را بر عهده دارد، در بهار سال ۱۳۸۱ متن پیش‌نویس استاندارد حسابداری شماره ۲۵ با عنوان گزارشگری بر حسب قسمت‌های مختلف (کمیته فنی سازمان حسابرسی ۱۳۸۱ ب)، از سوی کمیته مزبور تهیه و برای نظرخواهی عمومی منتشر شد. با تصویب نهایی این پیش‌نویس، آن دسته از واحدهای تجاری که در زمینه‌های متنوع فعالیت دارند یا آن‌که فعالیت‌های خود را در نواحی جغرافیایی گوناگون متمرکز ساخته‌اند، ناگزیر از افشای اطلاعات مالی بر حسب قسمت‌های مختلف خواهند بود.

اقدام به عمل آمده از سوی کمیته تدوین استانداردهای حسابداری در راستای تدوین الزامات حسابداری که منجر به گسترش دامنه افشای اطلاعات مالی می‌شود، به واقع مناسب و شایسته است. اما مناسب‌تر این است که پیش از لازم‌الاجرا شدن متن نهایی استاندارد حسابداری شماره ۲۵، با انجام پژوهش‌های علمی، اقدام مقتضی در راستای بررسی سودمندی اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، شناسایی زمینه‌های کاربرد این نوع اطلاعات و معرفی محدودیت‌های حاکم بر آن، به عمل آید.

در این پژوهش، با الهام از مبانی نظری و مفاهیم بنیادی پشتوانه افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، برنامه‌ای منظم ترتیب داده شده است تا پاسخ مناسبی به پرسش‌های بنیادی متعدد ارائه شود. افزون بر این، از آن‌جا که پژوهش حاضر، هم‌زمان از دو روش‌شناسی متفاوت بهره می‌گیرد، بنابراین پرسش‌های آن بر حسب روش پاسخ‌گویی به آنها از یکدیگر تفکیک و در قالب دو گروه ارائه می‌شود.

#### پرسش‌های گروه اول

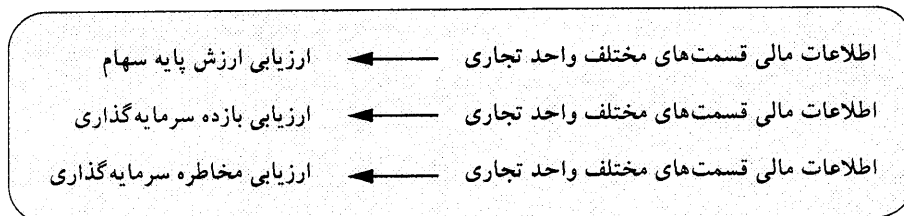
پرسش ۱- آیا میان تصمیم‌های اتخاذ شده در راستای ارزیابی ارزش پایه سهام توسط آن دسته از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی که اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را نیز در اختیار داشته‌اند با تصمیم‌های اتخاذ شده در راستای ارزیابی ارزش پایه سهام توسط آن دسته از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی که اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را در اختیار نداشته‌اند، تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود دارد؟

پرسش ۲- آیا میان تصمیم‌های اتخاذ شده در راستای ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری توسط آن دسته از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی که اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را نیز در اختیار داشته‌اند با تصمیم‌های اتخاذ شده در راستای ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری توسط آن دسته از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی که اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را در اختیار نداشته‌اند، تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود دارد؟

پرسش ۳- آیا میان تصمیم‌های اتخاذ شده در راستای ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری توسط آن دسته از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی که اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را نیز در اختیار داشته‌اند با تصمیم‌های اتخاذ شده در راستای ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری توسط آن دسته از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی که اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری را در اختیار نداشته‌اند، تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود دارد؟

در سه پرسش اساسی مطرح شده، رابطه‌ای مشخص میان دو متغیر برقرار است که در نمایه ۱ ارائه شده است.

نمایه ۱- روابط میان متغیرهای پرسش‌های گروه اول



از لحاظ روش‌شناسی این پژوهش، هر یک از این متغیرها به شرحی که در ادامه می‌آید، قابل تجزیه و تحلیل است.

#### اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

این متغیر بر اساس نقشی که بر عهده دارد به عنوان متغیر مستقل<sup>۱</sup> در پژوهش تعریف می‌شود. هدف آن است که از طریق دست‌کاری در این متغیر (وجود یا نبود آن در عرصه پژوهش)، تأثیر آن بر متغیر وابسته<sup>۲</sup> مشاهده و اندازه‌گیری شود. متغیر مستقل پژوهش از لحاظ ابعاد اندازه‌گیری، متغیری کیفی، گسسته و برخوردار از مقیاس اسمی است و از جهت

1- Independent Variable.

2- Dependent Variable.



امکان دخل و تصرف در آن، یک متغیر فعال محسوب می‌شود.

منظور از اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، ارائه اطلاعات درباره نوع و ماهیت فعالیت قسمت‌های تجاری، درآمد عملیاتی بر حسب فروش به مشتریان برون سازمانی و فروش به سایر قسمت‌ها، نتیجه عملیات قسمت‌های تجاری بر حسب سود یا زیان عملیاتی، هزینه‌های مشترک تخصیص نیافته به قسمت‌های تجاری، دارایی‌های قسمت‌های تجاری و دارایی‌های مشترک تخصیص نیافته به قسمت‌های تجاری، بدهی‌های قسمت‌های تجاری و بدهی‌های مشترک تخصیص نیافته به قسمت‌های تجاری، فروش بر حسب بازارهای جغرافیایی و در نهایت، اطلاعات درباره انتقالات بین قسمت‌ها و مبانی حاکم بر این‌گونه انتقالات داخلی است. انتظار بر این است که وجود یا نبود این اطلاعات به عنوان متغیر مستقل پژوهش بتواند تفاوت معنی‌داری را به لحاظ آماری در متغیر وابسته ایجاد کند.

### ارزیابی ارزش پایه سهام، بازده سرمایه‌گذاری و مخاطره سرمایه‌گذاری

این متغیر معرف وجهی از رفتار است که تحریک شده است. در واقع، متغیر وابسته، مشاهده و اندازه‌گیری می‌شود تا تأثیر متغیر مستقل پژوهش بر آن معلوم شود. اندازه‌گیری این متغیر بر پایه پاسخ‌های دریافت شده از مخاطبان پژوهش در خصوص ارزیابی ارزش پایه سهام، ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری و ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد. متغیر وابسته پژوهش که در قالب یک پاسخ اسمی معنی‌دار می‌شود، از لحاظ ابعاد اندازه‌گیری دارای مقیاس اسمی است و متغیری کیفی و گسسته می‌باشد.

### پرسش‌های گروه دوم

**پرسش ۱-** آیا پیش‌بینی سود خالص واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

**پرسش ۲-** آیا پیش‌بینی جریان‌های نقدی واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

**پرسش ۳-** آیا ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری در واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای

اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۴- آیا پیش‌بینی تغییرات در سود خالص واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد

افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۵- آیا پیش‌بینی تغییرات در جریان‌های نقدی واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد

افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۶- آیا ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری در واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد

افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۷- آیا ارزیابی بهتر ارزش سهام واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای

اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۸- آیا دستیابی به شناخت بهتر از کل واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای

اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۹- آیا فراهم آوردن مبنایی مناسب برای مقایسه واحدهای تجاری یکی از زمینه‌های

کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۱۰- آیا ارزیابی بهتر نتایج وظیفه مباشرت مدیریت واحد تجاری یکی از زمینه‌های

کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۱۱- آیا گسترش دامنه ارزیابی نتایج وظیفه مباشرت مدیریت واحد تجاری یکی از

زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۱۲- آیا ارزیابی بهتر قسمت‌های عمده فعالیت در واحد تجاری یکی از زمینه‌های

کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۱۳- آیا شناخت بهتر مشتریان عمده واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای

اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۱۴- آیا شناخت بهتر قسمت‌های تجاری و قسمت‌های جغرافیایی یکی از زمینه‌های

کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۱۵- آیا تأکید بر مربوط بودن اطلاعات و بی‌توجهی به قابلیت اعتماد آن یکی از

محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

است؟

پرسش ۱۶- آیا فزونی هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منافع آن یکی از محدودیت‌های حاکم بر

افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۱۷- آیا تحمل بار مالی اضافی از سوی واحدهای تجاری در زمینه تهیه و ارائه

اطلاعات یکی از محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های

مختلف واحد تجاری است؟

پرسش ۱۸- آیا کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری به دلیل افشای جزئیات فعالیت‌ها یکی از

محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

است؟

پرسش ۱۹- آیا تقلیل نیروی انسانی به دلیل کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری یکی از

محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

است؟

پرسش ۲۰- آیا افزایش پیچیدگی اطلاعات و گمراه‌کننده‌شدن صورت‌های مالی یکی از

محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

است؟

پرسش ۲۱- آیا بار اضافی اطلاعات برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی یکی از

محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

است؟

در بیست و یک پرسش مطرح شده، متغیرهای مشخصی مورد تأکید است. استنتاج این

متغیرها، حاصل بررسی‌ها و مطالعاتی است که پیرامون شناسایی زمینه‌های کاربرد و

محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری انجام شده

است. در این بخش، هر یک از متغیرهای مطرح شده به اختصار شرح داده می‌شود؛ ضمن آن

که رابطه موجود میان این متغیرها نیز در نمایه شماره ۲ ارائه شده است.

### زمینه‌های کاربرد اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

اولین و اساسی‌ترین اقدامی که هر سرمایه‌گذار یا تحلیلگر مالی در راستای دست‌یابی به نوعی ارزیابی منطقی و عقلایی از سرمایه‌گذاری در سهام یک واحد تجاری انجام می‌دهد، پیش‌بینی نتایج عملیات آن در قالب سود خالص است. به علاوه بر مبنای نظریه‌های مالی، ارزش سهام هر واحد تجاری بر اساس ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی آن تعیین می‌شود و در این ارتباط، سود خالص شاید مناسب‌ترین عامل برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی محسوب شود. اما پیش‌بینی سود خالص یا جریان‌های نقدی آتی که معرف بازده سرمایه‌گذاری در واحد تجاری است، متأثر از عوامل محیطی گوناگونی مانند تورم، رکود، تغییر در عرضه و تقاضای محصولات و خدمات، نوسان در نرخ ارز و دگرگونی در نرخ هزینه مالی است. از آن‌جا که هر یک از قسمت‌های مختلف واحد تجاری در معرض عوامل محیطی گوناگونی قرار دارد، بنابراین افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری احتمالاً می‌تواند سرمایه‌گذاران یا تحلیلگران مالی را در پیش‌بینی بهتر سود خالص، جریان‌های نقدی آتی و بازده سرمایه‌گذاری در واحد تجاری یاری دهد.

این در حالی است که محاسبه ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی، به عنوان مبنایی برای تعیین ارزش سهام واحد تجاری، مستلزم توجه به مخاطره سرمایه‌گذاری نیز می‌باشد. در بیشتر موارد، تغییرات سود خالص و تغییرات جریان‌های نقدی آتی، معیارهایی برای اندازه‌گیری و تعیین مخاطره سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. با توجه به این‌که فعالیت‌های هر یک از قسمت‌های مختلف واحد تجاری متأثر از عوامل محیطی گوناگونی است، این امکان وجود دارد که افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری بتواند سرمایه‌گذاران یا تحلیلگران مالی را در پیش‌بینی بهتر تغییرات سود خالص، تغییرات جریان‌های نقدی آتی و مخاطره سرمایه‌گذاری در واحد تجاری یاری دهد.

با اتکا بر استدلال‌های مطرح شده در ارتباط با کاربرد اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری در راستای پیش‌بینی بهتر بازده و مخاطره سرمایه‌گذاری، می‌توان استنتاج کرد که افشای این‌گونه اطلاعات به خودی خود می‌تواند زمینه ارزیابی بهتر ارزش سهام واحد تجاری را نیز فراهم کند؛ ضمن آنکه افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

می‌تواند موجبات دست‌یابی به شناخت بهتر از اجزای تشکیل‌دهنده واحد تجاری و در نهایت کل واحد تجاری را نیز مهیا کند.

از سوی دیگر، اغلب ادعا می‌شود که سرمایه‌گذاران یا تحلیلگران مالی از اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری برای مقایسه قسمت‌های مختلف واحدهای تجاری فعال در عرصه‌های گوناگون و نیز مقایسه آن با فعالیت‌های واحدهای تجاری فعال در یک صنعت خاص، استفاده می‌کنند. در حقیقت، استدلال‌های نظری بسیاری از سودمندی اطلاعات مالی قسمت‌ها برای تحقق خصوصیت کیفی مقایسه‌پذیری اطلاعات حمایت کرده است. اما حصول اطمینان در این خصوص، مستلزم گردآوری داده‌هایی است که این ادعا را مورد تأیید قرار دهد.

این همه در حالی است که یکی از اهداف اصلی صورت‌های مالی، ارائه اطلاعات برای ارزیابی وظیفه مباشرت یا حساب‌دهی مدیریت واحد تجاری است. در همین راستا، افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری ضمن آن‌که می‌تواند موجبات تحقق این هدف را فراهم کند، به دلیل گسترش دامنه افشای اطلاعات مالی، به احتمال زیاد اسباب گسترش دامنه ارزیابی وظیفه مباشرت یا حساب‌دهی مدیریت واحد تجاری را نیز مهیا می‌کند.

در نهایت آن‌که، افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری می‌تواند موجب ارزیابی بهتر قسمت‌های عمده و مشتریان عمده واحدهای تجاری شده و این امر احتمالاً به شناخت بهتر قسمت‌های تجاری و قسمت‌های جغرافیایی منجر می‌شود.

نمایه ۲ - روابط میان متغیرهای پرسش‌های گروه دوم

افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه پیش‌بینی سود خالص واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه پیش‌بینی جریان‌های نقدی واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری در واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه پیش‌بینی تغییرات در سود خالص واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه پیش‌بینی تغییرات در جریان‌های نقدی واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری در واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه ارزیابی بهتر ارزش سهام واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه دستیابی به شناخت بهتر از کل واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه فراهم آوردن مبنایی برای مقایسه واحدهای تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه ارزیابی بهتر نتایج وظیفه مباشرت مدیریت واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه گسترش دامنه ارزیابی نتایج وظیفه مباشرت مدیریت واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه ارزیابی بهتر قسمت‌های عمده فعالیت در واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه شناخت بهتر مشتریان عمده واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	کاربرد در زمینه شناخت بهتر قسمت‌های تجاری و قسمت‌های جغرافیایی
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	محدودیت از جهت تأکید بر مربوط بودن اطلاعات و بی‌توجهی به قابلیت اعتماد آن
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	محدودیت از جهت فزونی هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منافع آن
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	محدودیت از جهت تحمل بار مالی اضافی برای تهیه و ارائه اطلاعات
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	محدودیت از جهت کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری به دلیل افشای جزئیات فعالیت‌ها
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	محدودیت از جهت تقلیل نیروی انسانی به علت کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	محدودیت از جهت افزایش پیچیدگی و گمراه کننده شدن صورت‌های مالی
افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری	←	محدودیت از جهت بار اضافی اطلاعات برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی

### محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

در سلسله مراتب حاکم بر ارائه خصوصیات کیفی اطلاعات مالی، یکی از محدودیت‌های اصلی تهیه و ارائه اطلاعات، فزونی منافع اطلاعات بر هزینه‌های مربوط به تهیه و ارائه آن است. این محدودیت در مورد تمام اطلاعات صورت‌های مالی مصداق دارد؛ و در این راستا، افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیز از این قاعده مستثنی نیست. در حقیقت، این احتمال وجود دارد که از دیدگاه تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، تهیه و افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، مقرون به صرفه و از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نباشد.

افزون بر این، توجه به برقراری موازنه مطلوب میان دو خصوصیت ناسازگار مربوط بودن و قابلیت اعتماد، ضرورتی است که تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری باید مدنظر قرار دهند. در اصل، این امکان وجود دارد که افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری موجب تأکید بیش از حد بر ارائه اطلاعات مالی مربوط شود؛ تأکیدی که ناگزیر به بی‌توجهی به قابلیت اعتماد اطلاعات افشا شده، می‌انجامد.

در نهایت، گروهی بر این باورند که افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری به دلیل گسترش دامنه افشای اطلاعات، موجب تحمیل بار مالی اضافی به واحدهای تجاری می‌شود؛ هم‌چنین آنان اعتقاد دارند که افشای جزئیات فعالیت‌های واحدهای تجاری، به از دست رفتن مزیت رقابتی آنها می‌انجامد؛ و چنین وضعیتی می‌تواند موجب تقلیل نیروی انسانی و از جریان خارج شدن بسیاری از طرح‌های انحصاری واحد تجاری شود. به علاوه، گروه دیگری قائل به این باورند که افشای اطلاعات مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری، پیچیدگی و گمراه‌کننده بودن اطلاعات صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد و نوعی بار اضافی اطلاعات برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی ایجاد می‌کند.

در این پژوهش، تمام موارد مطرح شده به عنوان زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، متغیرهایی برخوردار از مقیاس اسمی، کیفی و گسسته می‌باشند که با استفاده از ابزارهای مناسب به متغیرهای کمیت‌پذیر تبدیل شده‌اند.

### فرضیه‌های پژوهش

بیان مسأله پژوهش و پرسش‌های آن تنها به صورت کلی پژوهش را هدایت می‌کند و تمام اطلاعات ویژه پژوهش را در بر ندارد. مسأله پژوهش هرگز به صورت علمی حل نخواهد شد و پرسش‌های پژوهش نیز هرگز به گونه‌ای مستدل و منطقی پاسخ داده نخواهد شد مگر آنکه به فرضیه یا فرضیه‌هایی تبدیل شود. فرضیه<sup>۱</sup> ابزاری نیرومند و با اهمیت در هر پژوهش علمی است که پژوهشگر به کمک آن می‌تواند پاسخ پرسش‌های پژوهش را جستجو کند (دلاور ۱۳۷۴، ۷۶-۷۲). اهمیت و جایگاه ویژه فرضیه در عرصه پژوهش‌های علمی به حدی است که مک‌گیگان، که از صاحب‌اندیشان حوزه روش‌شناسی است، آن را به مثابه عصایی در دست یک نابینا می‌انگارد؛ عصایی که فرد نابینا را به سر منزل مقصود می‌رساند (Mc. Guigan 1990, 62).

در این پژوهش نیز به منظور برخورداری از فراگرد مبتنی بر روش‌شناسی علمی، با در نظر گرفتن پرسش‌های اساسی پژوهش اقدام لازم برای تدوین فرضیه‌های پژوهش به عمل آمده است. با این حال، ذکر این نکته ضروری است که در این پژوهش به دلیل اتکا بر دو روش‌شناسی مختلف، دو گروه پرسش‌های پژوهشی طراحی و معرفی شده است؛ و به تبع آن، فرضیه‌های پژوهشی نیز در قالب دو گروه مجزا تدوین و ارائه می‌شود.

### فرضیه‌های گروه اول

در این گروه از فرضیه‌های پژوهش، با رجوع به سه پرسش اساسی مطرح شده در قالب پرسش‌های گروه اول، فرضیه صفر<sup>۲</sup> پژوهش در سه حالت به صورت زیر تدوین و تبیین می‌شود. هدف اصلی از طرح این فرضیه‌ها، تعیین سودمندی اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری در ارزیابی ارزش پایه سهام، بازده سرمایه‌گذاری و مخاطره سرمایه‌گذاری است.

1- Hypothesis.

2- Null Hypothesis.



### فرضیه صفر - ۱

تصمیم‌های مربوط به ارزیابی ارزش پایه سهام واحدهای تجاری منتخب که مبتنی بر صورت‌های مالی همراه با اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است، با تصمیم‌های مربوط به ارزیابی ارزش پایه سهام همان واحدهای تجاری بر اساس صورت‌های مالی بدون اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، از لحاظ آماری دارای تفاوت معنی‌داری نیست.

### فرضیه صفر - ۲

تصمیم‌های مربوط به ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری منتخب که مبتنی بر صورت‌های مالی همراه با اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است، با تصمیم‌های مربوط به ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری همان واحدهای تجاری بر اساس صورت‌های مالی بدون اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، از لحاظ آماری دارای تفاوت معنی‌داری نیست.

### فرضیه صفر - ۳

تصمیم‌های مربوط به ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری منتخب که مبتنی بر صورت‌های مالی همراه با اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است، با تصمیم‌های مربوط به ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری همان واحدهای تجاری بر اساس صورت‌های مالی بدون اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، از لحاظ آماری دارای تفاوت معنی‌داری نیست.

تدوین فرضیه صفر بر اساس سه شکل ارائه شده به گونه‌ای است که با گردآوری داده‌های لازم، تأیید آن میسر شود. به بیان دیگر، فرضیه صفر در هر سه حالت صحیح اعلام می‌شود مگر آنکه داده‌های گردآوری شده، به طور مشخص خلاف آن حکم کند. در صورت تأیید نشدن فرضیه صفر، فرضیه مقابل آن که مؤید سودمندی اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری در راستای ارزیابی ارزش پایه سهام، ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری و ارزیابی

مخاطره سرمایه‌گذاری است، رد نخواهد شد.

### فرضیه‌های گروه دوم

در این گروه از فرضیه‌های پژوهش، با رجوع به بیست و یک پرسش اساسی مطرح شده در قالب پرسش‌های گروه دوم، فرضیه صفر پژوهش در بیست و یک حالت تدوین و تبیین می‌شود. هدف اصلی از طرح این فرضیه‌ها، شناسایی زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است.

**فرضیه صفر- ۱ :** پیش‌بینی سود خالص واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

**فرضیه صفر- ۲ :** پیش‌بینی جریان‌های نقدی واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

**فرضیه صفر- ۳ :** ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری در واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

**فرضیه صفر- ۴ :** پیش‌بینی تغییرات در سود خالص واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

**فرضیه صفر- ۵ :** پیش‌بینی تغییرات در جریان‌های نقدی واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

**فرضیه صفر- ۶ :** ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری در واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

**فرضیه صفر- ۷ :** ارزیابی بهتر ارزش سهام واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

**فرضیه صفر- ۸ :** دستیابی به شناخت بهتر از کل واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

**فرضیه صفر- ۹ :** فراهم آوردن مبنایی مناسب برای مقایسه واحدهای تجاری یکی از

زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۰: ارزیابی بهتر نتایج وظیفه مباشرت مدیریت واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۱: گسترش دامنه ارزیابی نتایج وظیفه مباشرت مدیریت واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۲: ارزیابی بهتر قسمت‌های عمده فعالیت در واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۳: شناخت بهتر مشتریان عمده واحد تجاری یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۴: شناخت بهتر قسمت‌های تجاری و قسمت‌های جغرافیایی یکی از زمینه‌های کاربرد افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۵: تأکید بر مربوط بودن اطلاعات و بی‌توجهی به قابلیت اعتماد آن یکی از محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۶: فزونی هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منافع آن یکی از محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۷: تحمل بار مالی اضافی از سوی واحدهای تجاری در زمینه تهیه و ارائه اطلاعات یکی از محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۸: کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری به دلیل افشای جزئیات فعالیت‌ها یکی از محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر- ۱۹: تقلیل نیروی انسانی به علت کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری یکی از

محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر-۲۰: افزایش پیچیدگی اطلاعات و گمراه‌کننده شدن صورت‌های مالی یکی از محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

فرضیه صفر-۲۱: بار اضافی اطلاعات برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی یکی از محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیست.

تدوین فرضیه صفر بر پایه بیست و یک حالت ارائه شده به نحوی است که با گردآوری داده‌های لازم، تأیید آن میسر شود. به بیان دیگر، فرضیه صفر در هر بیست و یک شکل آن صحیح اعلام می‌شود مگر آن که داده‌های گردآوری شده، به طور مشخص خلاف آن حکم کند. در صورت تأیید نشدن فرضیه صفر، فرضیه مقابل آن که مؤید وجود زمینه(های) کاربرد برای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری و یا وجود محدودیت(های) مشخص در راستای افشای این گونه اطلاعات است، رد نخواهد شد.

### ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش، با استفاده هم‌زمان از دو روش‌شناسی متفاوت به پرسش‌های مطرح شده، پاسخ داده می‌شود. بر این اساس، به منظور پاسخ‌گویی به سه پرسش گروه اول که موجب استنتاج سه فرضیه گروه اول شد، از روش‌شناسی مبتنی بر آزمایش استفاده شده است. هم‌چنین، برای پاسخ‌گویی به بیست و یک پرسش گروه دوم که منجر به استنتاج بیست و یک فرضیه گروه دوم شد، از روش‌شناسی مبتنی بر زمینه‌یابی مقطعی - پرسشنامه‌ای استفاده به عمل آمده است. از آن جاکه طرح به کار رفته در حوزه هر یک از این دو روش‌شناسی، متفاوت از یکدیگر است و در راستای آزمون فرضیه‌های مختلف استفاده می‌شود، فرایند تدوین طرح پژوهش، بررسی اعتبار داخلی و بیرونی آن، بررسی پیش‌فرض‌های حاکم بر طراحی ابزارهای طرح و تحلیل ساختار هر یک از طرح‌های مورد استفاده، به صورت مجزا ارائه

می‌شود.

## ۱- طرح آزمایش

آزمایش<sup>۱</sup>، دقیق‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین شکل پژوهش علمی است. عمده‌ترین ویژگی این روش، کنترل است که بر پایه آن امکان تعیین وجود یا نبود رابطه معنی‌دار میان پدیده‌های تحت کنترل فراهم می‌شود. بر این پایه، هدف بنیادی آزمایش استنتاج روابط علت و معلولی میان پدیده‌هایی است که مورد کنترل قرار گرفته‌اند؛ یعنی، تعیین شرایطی که در آن پدیده معینی اتفاق می‌افتد. از نقطه نظر عملیاتی، آزمایش عبارت از مطالعه اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است.

یکی از اصلی‌ترین مزایای مترتب بر استفاده از طرح آزمایش، مقرون به صرفه بودن و دقت زیاد آن است. آزمایش به پژوهشگر این فرصت را می‌دهد تا خود، زمان وقوع متغیر یا عامل مورد آزمایش را در شرایط معین و کنترل شده، تعیین کند. در واقع، از آن جا که شرایط اجرای آزمایش متغیر است، پژوهشگر می‌تواند با توجه به هدف پژوهش، در متغیر مستقل دست‌کاری به عمل آورد و اثر آن را بر متغیر وابسته ارزیابی کند.

حقیقت این است که آزمایش، چنانچه درست و در جای خود به کار برده شود، پیشرفته‌تر و ناب‌تر از سایر روش‌های پژوهشی است. اما دست‌یابی به هدف اصلی آزمایش و بهره‌مندی از منافع آن، مستلزم گزینش طرح آزمایش مناسب است. در این پژوهش، با عنایت به ماهیت موضوع و آزمودنی‌های پژوهش، از طرح پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است.

اجرای طرح آزمایش پس‌آزمون با گروه کنترل<sup>۲</sup> نیازمند آن است که اولاً - آزمودنی‌های پژوهش از یک جامعه آماری واحد انتخاب شوند تا از این طریق امکان پدیدار شدن متغیرهای مزاحم به حداقل کاهش یابد، و ثانیاً - از گروهی به نام گروه کنترل استفاده شود که در کلیه جنبه‌ها و ابعاد با اهمیت شبیه گروه آزمایش است با این تفاوت که متغیر مستقل برای

1- Experiment

2- Post - Test with Control Group

این گروه اجرا نمی‌شود. نمایه شماره ۳ طرح آزمایش پس از آزمون با گروه کنترل را نشان می‌دهد.

نمایه ۳ - طرح آزمایش پس از آزمون با گروه کنترل

<u>انتخاب تصادفی</u>	<u>متغیر مستقل</u>	<u>پس از آزمون</u>	
R	X	T <sub>2</sub>	گروه آزمایش
R		T <sub>2</sub>	گروه کنترل

همان طور که در این نمایه ملاحظه می‌شود، مراحل اجرای طرح عبارتند:

الف - انتخاب و جایگزینی تصادفی آزمودنی‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل؛

ب - اجرای متغیر مستقل X برای گروه آزمایش؛

ج - اندازه‌گیری تأثیر متغیر مستقل (اجرای پس از آزمون) برای تمام آزمودنی‌ها تحت شرایط معین، یکسان و به صورت هم‌زمان.

در ادامه، هر یک از این مراحل به نحوی که در این پژوهش به کار رفته است، شرح داده می‌شود.

#### انتخاب و جایگزینی تصادفی آزمودنی‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل

در مباحثی که پیشتر طرح و ارائه گردید، عنوان شد که مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی کشورهای مختلف جهان و از آن جمله ایران، تأکید را بر تهیه و ارائه اطلاعات مالی برای برآوردن نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه قرار داده‌اند؛ زیرا نوع و ماهیت اطلاعات مالی مورد نیاز این گروه از استفاده‌کنندگان به گونه‌ای است که تأمین آن، به خودی خود موجب برآوردن نیازهای اطلاعاتی سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نیز می‌شود. این در حالی است که در حوزه موضوع اصلی پژوهش نیز استدلال شد که استفاده‌کننده اصلی اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه می‌باشند. از این رو، جامعه آماری مورد نظر طرح آزمایش،

جامعه سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در سهام واحدهای تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. اما صرف نظر از دشواری‌های مربوط به تعیین این که چه افراد و گروه‌هایی و با چه مشخصاتی را می‌توان به منزله عنصری از عناصر این جامعه آماری بزرگ تلقی کرد، شناسایی دامنه این جامعه اگر غیرممکن نباشد، حداقل بسیار دشوار و پرهزینه است. این در حالی است که انتخاب نمونه تصادفی از میان عناصر جامعه آماری سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در سهام واحدهای تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، به علت نبود یک فهرست جامع از عناصر آن، در درجه اول امکان‌پذیر نیست و در درجه دوم اگر هم امکان‌پذیر بود، از لحاظ اهداف متصور بر اجرای این پژوهش نمی‌توانست مفید باشد؛ چراکه بسیاری از عناصر این جامعه آماری به احتمال زیاد از دانش تخصصی و حرفه‌ای لازم برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده در طرح آزمایش برخوردار نبودند.

با عنایت به موارد مطرح شده در بالا و نیز با مشورت و کسب دیدگاه‌ها و آرای صاحب‌نظران حسابداری و مالی، در این پژوهش از کارشناسان سرمایه‌گذاری فعال در شرکت‌های سرمایه‌گذاری واقع در شهر تهران به عنوان جانشین جامعه سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در سهام واحدهای تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است؛ زیرا اولاً - عمده فعالیت‌های بازار سرمایه ایران، در شهر تهران و در بورس اوراق بهادار آن انجام می‌شود و فعالیت بازار سرمایه در سایر شهرهای کشور هنوز به طور جدی آغاز نشده است، ثانیاً - شرکت‌های سرمایه‌گذاری منابع مالی عظیمی در اختیار دارند که با استفاده از آن، حجم قابل توجهی از معاملات سهام را در بورس اوراق بهادار تهران انجام می‌دهند، و ثالثاً - شرکت‌های سرمایه‌گذاری از وجود کارشناسان زبده و خبره‌ای بهره‌مند می‌باشند؛ کارشناسانی که فعالیت حرفه‌ای آنان دربرگیرنده مواردی متعددی است. آنان به فعالیت‌هایی چون تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی و نسبت‌های مالی با اهمیت، پیگیری مستمر و به هنگام تحولات بازار سرمایه و نیز تحلیل نقاط قوت و ضعف واحدهای تجاری فعال در گروه‌های مختلف طبقه‌بندی شده در بورس اوراق بهادار، ارزیابی مستمر عوامل مؤثر بر عملکرد واحدهای تجاری گوناگون، تهیه و ارائه گزارش‌های روزانه در مورد خرید، فروش یا نگهداری و حفظ سرمایه‌گذاری در سهام و در نهایت ایفای نقش در قالب یک تحلیلگر

حرفه‌ای مسائل سرمایه‌گذاری و بازار سرمایه می‌پردازند. انتظار بر این است که گروه مزبور بتواند به منزله جانشین و معرف مناسبی برای جامعه آماری این پژوهش باشد.

دستیابی به فهرست جامعی از این کارشناسان از طریق مکاتبات و مذاکرات با مؤسسه توسعه صنعت سرمایه‌گذاری حاصل شده است. این مؤسسه نقش یک کارگروه تحقیق و توسعه را برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند و از منابع اطلاعاتی جامع و کارشناسان متعدد و خبره‌ای در زمینه مسائل حسابداری و مالی برخوردار است. دریافت فهرست مزبور که دربرگیرنده اسامی، محل خدمت و شماره تلفن تماس ۱۲۰ کارشناس سرمایه‌گذاری فعال در شرکت‌های سرمایه‌گذاری واقع در گستره شهر تهران بود، ضمن آنکه شرایط تعیین اندازه نمونه<sup>۱</sup> بر اساس قواعد علمی را فراهم آورد، به انتخاب تصادفی<sup>۲</sup> و جایگزینی تصادفی<sup>۳</sup> آزمودنی‌ها در قالب گروه‌های آزمایش و کنترل نیز کمک شایانی کرد. بر این اساس، ابتدا ضرورت دارد تا با اتکا بر قواعد علمی، اندازه نمونه تعیین و تعریف شود.

بررسی متون آمار و روش‌شناسی نشان می‌دهد که تعیین اندازه نمونه برای داده‌های کیفی نسبت‌پذیر تابعی از قواعد حاکم بر تعیین اندازه نمونه برای تخمین نسبت موفقیت است (آذر و مؤمنی ۱۳۷۷، ۷۱-۷۲). در این حوزه، ابتدا باید نسبت موفقیت و عدم موفقیت در جامعه را مشخص کرد. سپس با در نظر گرفتن سطح اطمینان مورد نظر و فاصله اطمینان تعریف شده، اقدام لازم برای تعیین اندازه نمونه را انجام داد. در این پژوهش، نسبت‌های موفقیت و عدم موفقیت معادل ۵۰ درصد در نظر گرفته شده است؛ زیرا این مقدار از دو نسبت مزبور منجر به دستیابی به بیشترین اندازه نمونه می‌شود. به علاوه، سطح اطمینان معادل ۹۵ درصد و فاصله اطمینان نیز ۱۰ درصد تعریف شد و بر این اساس روابط زیر استنتاج گردید.

$$\begin{aligned} \blacksquare \text{ نسبت موفقیت در جامعه} &= 50 \text{ درصد} & p &= 50\% \\ \blacksquare \text{ نسبت عدم موفقیت در جامعه} &= 50 \text{ درصد} & q &= 50\% \end{aligned}$$

1- Sample Size.

2- Random Selection.

3- Random Assignment.



$t = 1/96$	= ۹۵ درصد	■ سطح اطمینان مورد نظر
$d = \%10$	= ۱۰ درصد	■ فاصله اطمینان مورد نظر
$N = 120$	= ۱۲۰ نفر	■ تعداد عناصر جامعه آماری
$n = ?$	= ?	■ اندازه نمونه انتخابی

نمایه ۴ - محاسبه اندازه نمونه

$$n = \frac{(N.t^2)(p.q)}{(N.d^2) + (t^2.p.q)}$$

رابطه محاسباتی تعیین اندازه نمونه

$$n = \frac{[120 \times (1/96)^2][(.50 \times \%50)]}{[120 \times (.10)^2] + [(1/96)^2 (.50 \times \%50)]} \approx 54$$

محاسبه اندازه نمونه ۵۴

این در حالی است که برخی از متون آمار و روش‌شناسی از یک فرایند دو مرحله‌ای برای تعیین اندازه نمونه جهت تخمین نسبت موفقیت در جامعه نیز استفاده می‌کنند (Bailey, 1987: 95-97). بر پایه این فرایند، ابتدا اندازه اولیه نمونه تعیین و سپس با اتکا بر روابط محاسباتی تکمیلی، اندازه نمونه نهایی تعریف می‌شود. بر این اساس، روابط ارائه شده قابل استنتاج است.

■ اندازه نمونه اولیه = ?  $n_0 = ?$

■ اندازه نمونه نهایی = ?  $n_1 = ?$

به رغم آن که روابط آماری ارائه شده، اندازه نمونه نهایی را ۵۴ نفر اعلام کرده است، اما به تشخیص مجریان پژوهش ۱۰ نفر دیگر نیز به عناصر نمونه افزوده شد؛ باشد که از این طریق، ضمن افزایش تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش، خطر ناشی از مخدوش شدن نتایج به دلیل پاسخ‌های غیرقابل استفاده و آلودگی‌های ناشی از آن، به حداقل ممکن کاهش یابد.

پس از تعیین اندازه نمونه، برای قائل شدن فرصت برابر و مستقل برای هر یک از عناصر

جامعه جهت قرار گرفتن در زمره آزمودنی‌های پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده<sup>۱</sup>

نمایه ۵- محاسبه اندازه نمونه (رویکرد دو مرحله‌ای)

$n_0 = \frac{t^2(p.d)}{d^2}$	<p>رابطه محاسباتی تعیین اندازه نمونه اولیه</p>
$n_0 = \frac{(1/96)^2 (0.50 \times 0.50)}{(0.10)^2} \approx 96$	<p>محاسبه اندازه نمونه اولیه</p>
$n_1 = \frac{n_0}{1 + \frac{n_0}{N}}$	<p>رابطه محاسباتی تعیین اندازه نمونه نهایی</p>
$n_1 = \frac{96}{1 + \frac{96}{120}} \approx 54$	<p>محاسبه اندازه نمونه نهایی</p>

استفاده شد؛ و در این راستا، ابتدا به هر یک از عناصر جامعه آماری، نمره مشخصی اختصاص یافت و سپس با استفاده از جدول اعداد تصادفی، فرایند انتخاب تعداد عناصر لازم تا زمان تأمین حد تعیین شده برای اندازه نمونه، ادامه پیدا کرد.

با مشخص شدن آن دسته از عناصر جامعه آماری جانشین که در طرح آزمایش مشارکت خواهند داشت، ضمن انجام هماهنگی‌های لازم، مقرر شد تا جایگزینی تصادفی عناصر آزمایش در گروه‌های آزمایش و کنترل با استفاده از برگه‌های شماره‌گذاری شده، صورت گیرد. بدین ترتیب که ابتدا برگه‌هایی که شماره‌های ۱ الی ۶۴ بر روی آنها درج شده بود، تهیه و در مقطع اجرای طرح آزمایش، از هر آزمودنی درخواست شد تا یکی از برگه‌ها را انتخاب کند. پس از آن، دارندگان برگه‌های با شماره زوج در گروه آزمایش و دارندگان برگه‌های با شماره فرد در گروه کنترل گنجانده شدند.

بر این اساس، ۶۴ عنصر طرح آزمایش اولاً - به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند، و ثانیاً - به گونه‌ای کاملاً تصادفی در قالب گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند.

### اجرای متغیر مستقل برای گروه آزمایش

در پرسش‌های گروه اول این پژوهش عنوان شد که متغیر مستقل، اطلاعات مالی قسمت مختلف واحد تجاری است که تأثیر آن بر متغیر وابسته، مشاهده و اندازه‌گیری می‌شود. به علاوه، همان طور که پیشتر نیز به آن اشاره شد، متغیر مستقل پژوهش از لحاظ ابعاد اندازه‌گیری، متغیری کیفی، گسسته و برخوردار از مقیاس اسمی است.

نظر به این که تاکنون هیچ‌گونه الزامی در خصوص تهیه و افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری در ایران وجود نداشته، از این رو، دستیابی به اطلاعات واقعی قسمت‌های مختلف واحد تجاری امکان‌پذیر نبوده است. بر این اساس، در این پژوهش ناگزیر از اطلاعات مالی فرضی مربوط به قسمت‌های مختلف واحد تجاری استفاده شده است. فرایند حاکم بر ایجاد متغیر مستقل و اجرای آن در طرح آزمایش به نحوی است که در ادامه مطرح می‌شود.

در طرح آزمایش، دو واحد تجاری فرضی به نام‌های واحد تجاری (الف) و واحد تجاری (ب) تعریف شده‌اند. صورت‌های مالی این دو واحد تجاری، که شامل ترازنامه و سود و زیان است، بر اساس چارچوب مقرر در صورت‌های مالی نمونه سازمان حسابرسی (کمیته فنی سازمان حسابرسی ۱۳۸۰ پ)، تنظیم شد. دو واحد تجاری فرضی (الف) و (ب) در دو رشته فعالیت از یک صنعت مشابه قرار دارند؛ کاشی و سرامیک به عنوان رشته فعالیت اول و سیمان به منزله رشته فعالیت دوم تعریف شدند. معیارهای متعددی برگزینش این دو رشته فعالیت حاکم بوده است؛ از جمله آن که بر پایه نظر فعالان بازار سرمایه و کارشناسان مالی، رشته فعالیت کاشی و سرامیک به دلیل وجود رقبای قدرتمند برون مرزی و نیز کاهش تقاضا در طی چند سال گذشته در مقایسه با رشته فعالیت سیمان که به علت وجود تقاضای شدید درون مرزی و برون مرزی و نبود رقبای تجاری اخیراً از وضعیت بسیار مطلوبی برخوردار شده، دارای عملکرد ضعیف‌تری است. همچنین، تعداد واحدهای تجاری فعال در عرصه این دو

رشته فعالیت به اندازه‌ای است که امکان حدس و گمان را در نزد عناصر آزمایش به حداقل کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، بر پایه نظریه‌های مالی اغلب چنین فرض می‌شود که نسبت قیمت هر سهم به عایدی هر سهم<sup>۱</sup> یا همان ضریب سودآوری<sup>۲</sup>، بازتابی از ارزیابی‌های سرمایه‌گذاران از توان بالقوه برای ایجاد رشد، دست‌یابی به سودآوری و برقراری ثبات در واحد تجاری است (Ortman 1975; Stallman 1969; Kochanek 1974). در واقع، ضریب سودآوری هر رشته فعالیت و هر واحد تجاری جنبه منحصر به فرد دارد و از این رو، این ضریب در رشته‌های مختلف فعالیت یا در واحدهای تجاری گوناگون، متفاوت است. ضریب سودآوری به مثابه یک ارزیابی کلی از قضاوت بازار درباره مخاطره یک رشته فعالیت و عملکرد مالی آن در گذشته و چشم‌انداز آینده آن است. این ضریب به طور معمول در آن دسته از رشته‌های فعالیت که از فرصت‌های مناسبی برای ایجاد رشد، دست‌یابی به سودآوری و جریان‌های نقدی آتی و نیز برقراری ثبات برخوردارند، در حد و اندازه بسیار بالایی قرار دارد؛ و در مقابل، آن دسته از رشته‌های فعالیت که از فرصت‌های کم‌رنگی برای ایجاد رشد، دست‌یابی به سودآوری و جریان‌های نقدی آتی و نیز برقراری ثبات برخوردار هستند، در بیشتر موارد ضریب سودآوری بسیار پایینی را تجربه می‌کنند (Helfert 1997, 96). البته تأکید مطلق بر نسبت قیمت هر سهم به عایدی هر سهم نیز دارای اشکالاتی است؛ از جمله آن که در الگوی حسابداری، ضریب سودآوری ثابت فرض می‌شود، در حالی که این ضریب ثابت نیست و تابعی از کیفیت سود واحد تجاری می‌باشد (Stewart 1991, 272-273). با این حال، شواهد بسیاری مؤید آن است که فعالان بازارهای اوراق بهادار از معیار ضریب سودآوری برای ارزیابی مخاطره و بازده سرمایه‌گذاری در یک رشته فعالیت یا یک واحد تجاری استفاده می‌کنند (Copeland et al. 1995, 286-287).

با در نظر گرفتن این شواهد و کسب آرای متخصصان بازار سرمایه در ایران، از نسبت قیمت هر سهم به عایدی هر سهم نیز در گزینش دو رشته فعالیت مورد نظر استفاده شد.

1- Price / Earnings Ratio

2- Earnings Multiple

بررسی آمار منتشر شده از سوی سازمان بورس اوراق بهادار تهران نشان داد که طی یک سال گذشته، ضریب سودآوری در رشته فعالیت کاشی و سرامیک به طور متوسط از روند نزولی و ضریب سودآوری در رشته فعالیت سیمان به طور متوسط از روند صعودی برخوردار بوده است (سازمان بورس اوراق بهادار تهران ۸۱-۱۳۸۰). جمله این شواهد مهر تأییدی بر گزینش دو رشته فعالیت کاشی و سرامیک و سیمان به عنوان قسمت‌های مختلف واحدهای تجاری فرضی (الف) و (ب) است.

پس از گزینش منطقی دو رشته فعالیت - کاشی و سرامیک و سیمان - برای دو واحد تجاری فرضی (الف) و (ب)، با استفاده اتکا بر اصول و ضوابط مقرر در متن پیش‌نویس استاندارد حسابداری شماره ۲۵، اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحدهای تجاری (الف) و (ب) تهیه و تنظیم شد تا در جریان طرح آزمایش، مورد استفاده قرار گیرد. در چارچوب اطلاعات تنظیم شده، اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف نشان می‌دهد که واحد تجاری (الف) بخش عمده‌ای از درآمد عملیاتی و نتیجه عملیات خود را از محل فعالیت در عرصه کاشی و سرامیک کسب می‌کند؛ به همین ترتیب، بخش عمده‌ای از دارایی‌ها و بدهی‌های این واحد تجاری نیز در قسمت کاشی و سرامیک متمرکز است. این در حالی است که بخش ناچیزی از فعالیت‌های این واحد تجاری در قسمت سیمان متمرکز یافته و از این رو، سهم این قسمت در کسب درآمد عملیاتی و نتیجه عملیات بسیار کم است. به همین روال، دارایی‌ها و بدهی‌های تخصیص یافته به قسمت سیمان در قیاس با دارایی‌ها و بدهی‌های قسمت کاشی و سرامیک، معرف سهم اندکی از دارایی‌ها و بدهی‌های کل واحد تجاری (الف) است. اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری (الف) هم‌چنین نشان می‌دهد که در یک سال گذشته، این واحد تجاری بر تمرکز فعالیت‌های خود در قسمت کاشی و سرامیک افزوده و از تمرکز فعالیت‌ها در قسمت سیمان کاسته است. از سوی دیگر، اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نشان می‌دهد که واحد تجاری (ب) بخش اصلی درآمد عملیاتی و نتیجه عملیات خود را از محل فعالیت در حوزه سیمان کسب می‌کند؛ به همین ترتیب، بخش عمده‌ای از دارایی‌ها و بدهی‌های این واحد تجاری نیز در قسمت سیمان متمرکز یافته است. این در حالی است که بخش اندکی از فعالیت‌های واحد تجاری (ب) در قسمت کاشی و

سرامیک، متمرکز شده و از این رو، سهم این قسمت در کسب درآمد عملیاتی و نتیجه عملیات بسیار ناچیز است. بر همین پایه، دارایی‌ها و بدهی‌های تخصیص یافته به قسمت کاشی و سرامیک در مقایسه با دارایی‌ها و بدهی‌های قسمت سیمان، معرف سهم کمی از دارایی‌ها و بدهی‌های کل واحد تجاری (ب) است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دو واحد تجاری (الف) و (ب) هم‌زمان در دو رشته فعالیت مشابه، تمرکز متفاوتی دارند؛ یکی بخش عمده فعالیت‌های خود را در رشته‌ای با ضریب سودآوری پایین و دیگری قسمت اصلی فعالیت‌های خود را در عرصه رشته‌ای با ضریب سودآوری بالا متمرکز کرده است. این در حالی است که صورت‌های مالی واحد تجاری (الف) وضعیت مالی و نتایج عملیات آن را تا حدی بهتر از واحد تجاری (ب) نشان می‌دهد؛ و از این رو، در نگاه نخست همگان واحد تجاری (الف) را در مقایسه با واحد تجاری (ب)، مناسب‌تر و بهتر ارزیابی می‌کنند. لذا انتظار بر این است که مطالعه اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف این دو واحد تجاری بتواند بر قضاوت‌های انجام شده در مورد ارزیابی ارزش پایه سهام، ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری و ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری تأثیر داشته باشد.

افزون بر اطلاعاتی که به آن اشاره شد، جدول نسبت‌های مالی با اهمیت دو سال گذشته دو واحد تجاری (الف) و (ب) محاسبه و در اختیار آزمودنی‌های پژوهش قرار گرفت. بدین ترتیب، چهار مجموعه از اطلاعات مالی تهیه شد؛ دو مجموعه برای واحد تجاری (الف) و دو مجموعه برای واحد تجاری (ب). از میان چهار مجموعه اطلاعات مالی واحدهای تجاری، مجموعه اول شامل صورت‌های مالی - ترازنامه و سود و زیان - و جدول نسبت‌های مالی با اهمیت هر دو واحد تجاری بود؛ در حالی که مجموعه دوم شامل صورت‌های مالی - ترازنامه و سود و زیان - و جدول نسبت‌های مالی با اهمیت دو واحد تجاری همراه با اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف آنها بود.

در اجرای طرح آزمایش، مجموعه اول که فاقد متغیر مستقل پژوهش بود، در اختیار گروه کنترل قرار گرفت و مجموعه دوم که حاوی متغیر مستقل پژوهش بود، در اختیار گروه آزمایش قرار داده شد.

## اندازه‌گیری تأثیر متغیر مستقل

اطلاعات مالی ارائه شده در قالب مجموعه‌های اول و دوم که به ترتیب در اختیار آزمودنی‌های گروه کنترل و گروه آزمایش قرار گرفت، مبنایی منطقی را برای قضاوت و تصمیم‌گیری در حوزه ارزیابی ارزش پایه سهام، بازده سرمایه‌گذاری و مخاطره سرمایه‌گذاری دو واحد تجاری (الف) و (ب) فراهم می‌کرد. بر این اساس، در انتهای هر یک از دو مجموعه اول و دوم، سه پرسش مشخص در ارتباط با مقایسه دو واحد تجاری (الف) و (ب) مطرح و از آزمودنی‌ها خواسته شد تا به آنها پاسخ دهند. نوع پاسخ‌های ارائه شده از نوع بسته و به صورت گزینش واحد تجاری (الف) یا واحد تجاری (ب) بود. از این رو، مقیاس اندازه‌گیری برای سنجش تأثیر متغیر مستقل، مقیاس اسمی<sup>۱</sup> است و بنابراین به کارگیری روش‌های تجزیه و تحلیل ناپارامتریک را ضروری می‌سازد. این روش‌ها و استدلال پشتوانه انتخاب هر یک از آنها در ادامه همین مقاله ارائه می‌شود.

## ۲- طرح زمینه‌یابی مقطعی - پرسشنامه‌ای

زمینه‌یابی<sup>۲</sup>، یک فرایند پژوهشی است که به منظور گردآوری اطلاعات درباره دیدگاه‌ها و آرای افراد و گروه‌های مختلف به کار می‌رود. هدف‌های متصور بر اجرای طرح زمینه‌یابی بسیار متنوع‌اند؛ در این پژوهش، به منظور گردآوری داده‌هایی که بازتابی از دیدگاه‌ها و آرای جامعه آماری پژوهش می‌باشد، از طرح زمینه‌یابی استفاده شده است.

در پژوهش حاضر، ضمن اجرای طرح آزمایش، با اتکا بر طرح زمینه‌یابی مقطعی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، دیدگاه‌ها و آرای عناصر نمونه انتخابی در طرح آزمایش درباره زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیز گردآوری شد. در حقیقت، اجرای طرح آزمایش بستری را فراهم آورد تا بتوان هم‌زمان نظرات و آرای گروه منتخب را نیز مورد شناسایی و اندازه‌گیری قرار داد.

---

1- Nominal Scale.

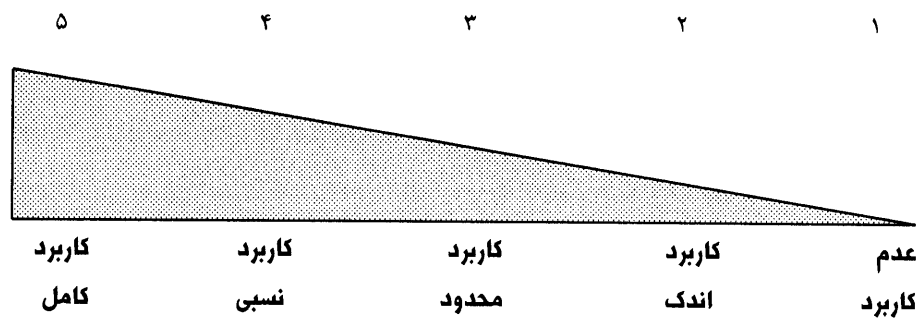
2- Survey.

در پژوهش‌هایی که از پرسشنامه استفاده می‌شود، اعضای نمونه با پر کردن پرسشنامه و بازگرداندن آن به پژوهشگر، در مصاحبه‌ای که خود اجرای آن را بر عهده داشته‌اند، مشارکت می‌کنند. اولین گام در اجرای طرح زمینه‌یابی پرسشنامه‌ای، تهیه فهرست هدف‌هایی است که پژوهشگر قصد دارد به کمک پرسشنامه به آنها دست یابد. این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. بر این اساس، در تنظیم پرسشنامه، ضمن توجه به هر یک از بیست و یک پرسش اساسی مطرح شده در قالب پرسش‌های گروه دوم، تلاش همه جانبه‌ای به عمل آمده است تا داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های گروه دوم نیز گردآوری شود. با استفاده از پرسشنامه پژوهش که بلافاصله پس از اجرای طرح آزمایش، در میان عناصر نمونه انتخابی توزیع شد، داده‌های مناسبی برای آزمون فرضیه‌های گروه دوم گردآوری گردید.

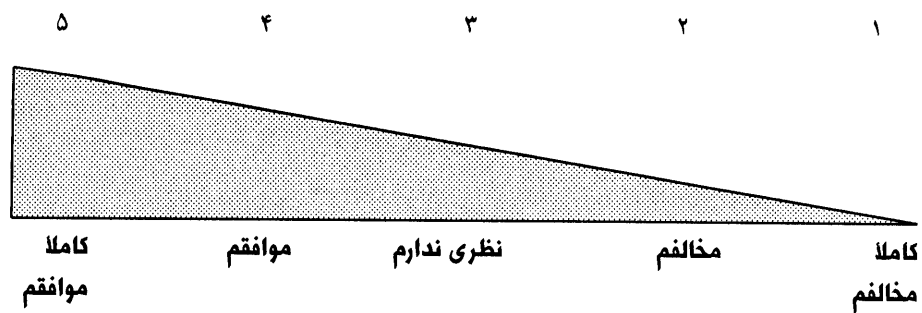
صفحه اول پرسشنامه به نحوه پاسخ‌گویی به پرسش‌ها اختصاص یافت. در این صفحه، ابتدا چهار بخش اصلی پرسشنامه و هدف‌های متصور بر ارائه هر یک از آنها به اختصار توضیح داده شد. در بخش اول پرسشنامه، اطلاعات عمومی - جمعیت‌شناسی که شامل سوابق فعالیت حرفه‌ای در زمینه تحلیلگری مالی بر حسب سال، بالاترین مدرک تحصیلی، رشته اصلی تحصیلی، گروه سنی و عنوان سمت سازمانی است، ارائه شد تا از این طریق داده‌های اولیه درباره وضعیت عمومی عناصر نمونه، گردآوری و سپس توصیف شود. در بخش دوم، مجموعه‌ای از پرسش‌ها در خصوص زمینه‌های کاربرد گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری ارائه گردید. در تکمیل اطلاعات این بخش، از مخاطبان درخواست شد تا با اتکا بر تجارب حرفه‌ای و دانش تخصصی خود، ابتدا در قالب گزینه‌های بلی یا خیر، وجود یا نبود زمینه کاربرد را مشخص سازند؛ آنگاه بر مبنای پاسخ اولیه، خواسته شد تا نظر و رای خود در خصوص میزان کاربرد را در قالب یک طیف ۵ قسمتی به صورت زیر، انعکاس دهند.

هر یک از پرسش‌های مطرح شده در بخش دوم، رابطه مستقیمی با چهارده پرسش اول از مجموعه پرسش‌های اساسی گروه دوم دارد. به عبارت دیگر، داده‌های گردآوری شده در این بخش، مبنایی منطقی برای آزمون چهارده فرضیه اول از مجموعه فرضیه‌های گروه دوم را فراهم می‌کند.





در بخش سوم، مجموعه ای از پرسش ها در خصوص محدودیت های حاکم بر گزارشگری مالی بر حسب قسمت های مختلف واحد تجاری مطرح شد. از مخاطبان درخواست شد مجدداً با اتکا بر تجارب حرفه ای و دانش تخصصی خود، ابتدا در قالب گزینه های بلی یا خیر، توافق یا عدم توافق خود را در مورد محدودیت های طرح شده، ابراز و آن گاه با توجه به پاسخ اولیه، نظر و رای خود را در خصوص میزان توافق یا عدم توافق در قالب یک طیف ۵ قسمتی به صورت زیر منعکس کنند.



هر یک از پرسش های مطرح شده در بخش سوم با هفت پرسش پایانی از مجموعه پرسش های اساسی گروه دوم، رابطه ای مستقیم دارد. به عبارت دیگر، داده های گردآوری شده در این بخش، مبنایی منطقی برای آزمون هفت فرضیه پایانی از مجموعه فرضیه های گروه دوم را فراهم می کند.

در بخش چهارم، دو پرسش کاملاً باز طرح و ارائه شده است. در واقع، با توجه به این که یکی از محدودیت های اساسی پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده های مورد استفاده در پژوهش های علمی، محدود بودن دیدگاه ها و آرای کسب شده از مخاطبان، در قالب چارچوب

پرسش‌های مطرح شده است، مجموعه‌ای از پرسش‌های باز ارائه شد تا مخاطبان بتوانند سایر دیدگاه‌ها و نظرات تخصصی خود را نیز ابراز کنند.

این پرسش‌ها دارای سه محور کاملاً مشخص شامل شناسایی سایر زمینه‌های کاربرد گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری، سایر محدودیت‌های حاکم بر افشای این نوع اطلاعات و کسب آرا و دیدگاه‌های تخصصی مخاطبان پرسشنامه در خصوص شرایط لازم برای فراهم آوردن بستری مناسب و مساعد در راستای افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است.

در تنظیم پرسش‌های ارائه شده در بخش‌های دوم و سوم تلاش شده است تا ضمن رعایت سادگی، دقت و روشنی در طرح پرسش‌ها، چارچوب مناسبی نیز برای آنها ایجاد شود.

### پیش‌آزمون ابزارهای اندازه‌گیری و توزیع آن میان نمونه

زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌هایی که برای گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری در قالب پرسشنامه مطرح شده است، همگی برگرفته از ادبیات نظری حسابداری کشورهای آمریکا، انگلستان، کانادا و سایر کشورهای جهان است. به منظور تطبیق این عوامل با شرایط محیطی ایران، ضمن بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و آرای صاحب‌نظران دانشگاهی از نظرات مدیران و کارشناسان مدیریت تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی نیز استفاده شد. با تأیید اصالت زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌هایی که برای گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری وجود دارد، اقدام لازم برای تدوین پرسشنامه به عمل آمد و سپس پیش‌نویس آن طراحی شد.

از دیگر مسائلی که در مورد ابزار اندازه‌گیری مطرح می‌شود، اعتبار آن است. اعتبار<sup>۱</sup> به معنی آن است که ابزار تا چه حد خصوصیت مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند. یک ابزار اندازه‌گیری باید از جهت ساختاری<sup>۲</sup>، محتوایی<sup>۳</sup>، و تقارن زمانی<sup>۴</sup> معتبر باشد.

1- Validity

2- Construct Validity

به منظور سنجش اعتبار ساختاری، معمول است تا نتایج حاصل با پژوهش‌های مشابه مقایسه شود. اما از آن جا که تاکنون پژوهش مشابهی در زمینه افشای اطلاعات مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری در ایران صورت نگرفته، اجرای این روش امکان‌پذیر نبوده است. به همین ترتیب، اعتبار محتوایی به معنی آن است که پرسش‌های مطرح شده در راستای اهداف مورد نظر، تهیه شده باشد و به دلیل ارتباط با موضوع پژوهش، هدف را به طور مناسب اندازه‌گیری کند. اما برای اندازه‌گیری اعتبار محتوایی، شاخص‌های کمی پیش‌بینی نشده است که بتوان بر پایه آن، اعتبار محتوایی را مورد سنجش قرار داد. اعتبار تقارن زمانی، توانایی متغیر مستقل برای پیش‌بینی متغیرهای وابسته است. از آن جا که هدف این پژوهش در قالب میزان همبستگی تبیین نشده است، لذا اعتبار مذکور در محدوده این پژوهش کاربرد ندارد.

اما در راستای سنجش اعتبار ساختاری و محتوایی ابزارهای اندازه‌گیری، می‌توان از نظرات متخصصان به عنوان نوعی روش جایگزین استفاده کرد. در این راستا، پیش از توزیع نهایی مجموعه اول و دوم و نیز پرسشنامه پژوهش، از سه گروه مشخص به شرح زیر درخواست شد تا نظرات و آرای خود را در خصوص ساختار و محتوای ابزارهای پژوهش ارائه کنند. گروه‌های انتخاب شده برای اجرای پیش‌آزمون<sup>۵</sup> عبارتند:

الف - صاحب‌نظران و متخصصان روش‌شناسی و آمار که در زمینه طرح آزمایش و زمینه‌یابی پرسشنامه‌ای تبحر دارند. در این خصوص، از آرای استادان حسابداری و متخصصان روش‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی استفاده شد.

ب - گروهی که در زمینه استانداردهای حسابداری و موضوع پژوهش اطلاع کامل و کافی دارند. از نظر این پژوهش، مدیران و کارشناسان مدیریت تدوین استانداردهای سازمان حسابداری جایگزین مناسبی برای این گروه محسوب و از این رو، از آرای آنان استفاده به عمل آمد.

3- Content Validity

4- Concurrent Validity

5- Pre - Test

پ - صاحب‌نظران و فعالان عرصه بازار سرمایه که در زمینه استفاده از صورت‌های مالی و اطلاعات آن برای قضاوت و تصمیم‌گیری در مورد خرید، فروش یا نگهداری سهام استفاده می‌کنند. به لحاظ اهداف این پژوهش، مدیران عامل و معاونان سرمایه‌گذاری شرکت‌های سرمایه‌گذاری جانشین مناسب برای این گروه تلقی و لذا، از نظرات و آرای آنان استفاده شد.

با کسب دیدگاه‌ها و نظرات ارزشمند گروه‌های مورد اشاره، اصلاحات و تعدیلات ساختاری و محتوایی در ابزارهای اندازه‌گیری به عمل آمد و ابزار نهایی پژوهش برای اجرای طرح آزمایش و طرح زمینه‌یابی پرسشنامه‌ای مهیا شد. اجرای واقعی این دو طرح از طریق تماس با عناصر نمونه و جلب رضایت آنان برای مشارکت در پژوهش، در فاصله ۳ روز پایان مرداد سال ۱۳۸۱ با موفقیت کامل انجام شد.

### تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از طرح آزمایش

مجموعه اول و دوم طرح آزمایش موجب حصول پاسخ‌هایی شد که می‌توان آنها را در قالب جدول‌های توافقی (۲×۲) خلاصه کرد. بنابراین، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده برای آزمون فرضیه‌های گروه اول این پژوهش، از سه جدول توافقی (۲×۲) به ترتیبی که در نمایه ۶ ارائه گردیده است، استفاده شد. در همین ارتباط، ذکر این مطلب ضروری است که در جریان اجرای آزمایش، سه نفر از آزمودنی‌ها از مشارکت در برنامه آزمایشی امتناع ورزیدند و از این رو، تعداد آزمودنی‌ها به ۶۱ نفر کاهش یافت. هم‌چنین، بررسی اولیه داده‌های گردآوری شده نشان داد که از میان پاسخ‌های دریافت شده، یکی به صورت سفید و بی‌پاسخ ارائه گردیده است؛ و از این جهت، امکان استفاده از آن در راستای تحقق اهداف طرح آزمایش وجود نداشت. بنابراین کل پاسخ‌هایی که به عنوان داده‌های قابل استفاده در تجزیه و تحلیل‌های آماری پژوهش دریافت شد، ۶۰ پاسخ است که نیمی از آن مربوط به گروه آزمایش و مابقی مربوط به گروه کنترل است.

با اتکا بر اطلاعات حاصل از تکمیل سه جدول توافقی (۲×۲)، امکان آزمون فرضیه‌های گروه اول این پژوهش فراهم می‌شود. با توجه به این که طرح آزمایش از نوع پس

آزمون با گروه کنترل بوده و مقیاس اندازه‌گیری داده‌های گردآوری شده از نوع اسمی است، بنابراین اصلی‌ترین ابزار آماری برای تأیید فرضیه صفر عبارت از آزمون کای - دو پیرسون<sup>۱</sup> برای سنجش وجود رابطه معنی‌دار میان متغیرهای مستقل و وابسته است. به علاوه، از آن جا که درجه آزادی هر سه جدول توافقی معادل واحد است و با توجه به این که توزیع کای - دو از لحاظ نظری یک توزیع پیوسته است و با در نظر گرفتن این مهم که داده‌های جدول توافقی از نوع گسسته است، امکان مخدوش شدن نتایج آزمون کای - دو پیرسون وجود دارد. بنابراین برای اجتناب از چنین وضعیتی از راه‌برد اصلاح ییتس<sup>۲</sup> استفاده شد. به علاوه، با فرض استقلال متغیرهای مستقل و وابسته در جدول‌های توافقی، نسبت درست‌نمایی کای - دو<sup>۳</sup> نیز محاسبه و تحلیل گردید. هم‌چنین، با عنایت به این که آزمون کای - دو پیرسون در جدول‌های توافقی، یک آزمون تقریبی است و تنها در شرایطی مفید است که حجم نمونه به قدر کافی بزرگ باشد، به رغم مناسب بودن اندازه نمونه، از آزمون دقیق فیشر - اروین<sup>۴</sup> نیز در تکمیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها استفاده به عمل آمد. از سوی دیگر، به منظور سنجش رابطه میان داده‌های ارائه شده در جدول‌های توافقی (۲×۲) از ضریب پیوند دی - سامرز<sup>۵</sup> و ضریب پیوند گاما<sup>۶</sup> نیز بهره گرفته شد. استفاده از این دو ضریب، برای کاهش نسبی خطا در پیش‌بینی متغیر وابسته است. کلیه تجزیه و تحلیل‌هایی این مرحله از پژوهش با استفاده از نرم‌افزار رایانه‌ای (SPSS) به اجرا در آمد. خروجی‌های حاصل از این تجزیه و تحلیل‌ها، مبنایی را برای آزمون سه فرضیه گروه اول پژوهش مهیا می‌کند.

- 
- 1- Pearson's Chi-Square Test
  - 2- Yates Correction
  - 3- Chi - Square Likelihood Ratio
  - 4- Fisher - Irwin's Exact Test
  - 5- Sommer's d Coefficient of Association
  - 6- Gamma's Coefficient of Association

نمایه ۶ - خلاصه داده‌های گردآوری شده از طرح آزمایش

گروه آزمودنی‌ها		آزمایش	کنترل	جمع
ارزیابی ارزش پایه سهام				
واحد تجاری (الف) < واحد تجاری (ب)		۱۰	۲۸	۳۸
واحد تجاری (ب) < واحد تجاری (الف)		۲۰	۲	۲۲
جمع		۳۰	۳۰	۶۰

گروه آزمودنی‌ها		آزمایش	کنترل	جمع
ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری				
واحد تجاری (الف) < واحد تجاری (ب)		۱۱	۲۹	۴۰
واحد تجاری (ب) < واحد تجاری (الف)		۱۹	۱	۲۰
جمع		۳۰	۳۰	۶۰

گروه آزمودنی‌ها		آزمایش	کنترل	جمع
ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری				
واحد تجاری (الف) < واحد تجاری (ب)		۲۱	۸	۲۹
واحد تجاری (ب) < واحد تجاری (الف)		۹	۲۲	۳۱
جمع		۳۰	۳۰	۶۰

### آزمون فرضیه‌های گروه اول

داده‌های ارائه شده در قالب جدول‌های توافقی (۲×۲)، مبنایی را بر آزمون فرضیه‌های گروه اول فراهم می‌کند. همان طور که عنوان شد، اصلی‌ترین ابزار آماری برای تأیید فرضیه صفر عبارت از آزمون کای - دو پیرسون برای سنجش وجود رابطه معنی‌دار آماری میان متغیر مستقل و متغیر وابسته است. هم‌چنین، به دلیل آن‌که درجه آزادی در هر سه جدول توافقی (۲×۲) معادل واحد است و با توجه به این‌که توزیع کای - دو از جهت نظری یک توزیع پیوسته می‌باشد و با عنایت به این مهم که داده‌های جدول‌های توافقی از نوع گسسته است، امکان آلودگی نتایج آزمون کای - دو پیرسون وجود دارد. بنابراین، برای اجتناب از این امر، با اتکا بر راه‌برد اصلاح یتس، تعدیل لازم در نتایج آزمون کای - دو پیرسون ایجاد می‌شود. این در حالی است که با استفاده از نسبت درست‌نمایی، نتایج حاصل از آزمون کای - دو پیرسون مورد بررسی و کنترل نیز قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های گروه اول در نمایه ۷ نشان داده شده است.

نمایه ۷ - آزمون کای - دو پیرسون، کای - دو اصلاح شده و نسبت درست‌نمایی

فرضیه صفر	موضوع	آماره آزمون $\chi^2$ محاسبه شده	آماره آزمون $\chi^2$ اصلاح شده	آماره آزمون (نسبت درست‌نمایی)	درجه آزادی (d.f)	درصد اطمینان (1- $\alpha$ )	مقدار بحرانی $\chi^2$ (جدول)	نتیجه آزمون فرضیه صفر
فرضیه اول	ارزیابی ارزش پایه سهام	۲۳/۲۵	۲۰/۷۴	۲۵/۹۷	۱	۹۹ درصد	۶/۶۳	فرضیه صفر تأیید نشد.
فرضیه دوم	ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری	۲۴/۳۰	۲۱/۶۷	۲۸/۱۸	۱	۹۹ درصد	۶/۶۳	فرضیه صفر تأیید نشد.
فرضیه سوم	ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری	۱۱/۲۷	۹/۶۱	۱۱/۶۶	۱	۹۹ درصد	۶/۶۳	فرضیه صفر تأیید نشد.

به طوری که ملاحظه می‌شود، مقدار آماره آزمون بر حسب کای - دو پیرسون محاسبه شده، کای - دو اصلاح شده و نسبت درست‌نمایی در مورد هر سه فرضیه گروه اول، از مقدار بحرانی استخراج شده از جدول سطح زیر منحنی دنباله راست توزیع کای - دو بزرگ‌تر است. بنابراین، در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که هر سه فرضیه گروه اول که به ترتیب بر

نبود تفاوت معنی‌دار آماری میان پاسخ‌های دریافت شده از آزمودنی‌های طرح آزمایش در خصوص ارزیابی ارزش پایه سهام، ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری و ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری منتخب دلالت دارد، مورد تأیید قرار نگرفته است؛ و بر این اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرضیه‌های مقابل سه فرضیه گروه اول، رد نشده است. به بیان دیگر، نتایج حاصل از اجرای آزمون‌های آماری بالا مؤید آن است که میان تصمیم‌های مربوط به ارزیابی ارزش پایه سهام، ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری و ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری منتخب که مبتنی بر صورت‌های مالی همراه با اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است، با تصمیم‌های مربوط به ارزیابی ارزش پایه سهام، ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری و ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری همان واحدهای تجاری بر پایه صورت‌های مالی بدون اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ که این امر به منزله مهر تأییدی بر بار و محتوای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است.

به علاوه، همان‌گونه که استدلال شد، به منظور تکمیل نتایج حاصل از اجرای آزمون کای - دو پیرسون و نسبت درست‌نمایی از آزمون دقیق فیشر - اروین استفاده می‌گردد و آماره آزمون آن با سطح معنی‌دار موردنظر، به مقایسه گذاشته می‌شود. هم‌چنین به منظور تعیین نوع و شدت رابطه و پیوند موجود میان متغیر مستقل و متغیر وابسته از ضریب پیوند دی - سامرز بهره گرفته می‌شود؛ ضمن آن‌که برای تعیین پیوند موجود میان جفت‌های سازگار و ناسازگار (بدون توجه به جفت‌های همبسته) از ضریب پیوند گاما استفاده به عمل می‌آید. نتایج حاصل از اجرای آزمون دقیق فیشر - اروین و محاسبه ضریب پیوند دی - سامرز و ضریب پیوند گاما به ترتیب در نمایه‌های ۸ و ۹ ارائه شده است.



نمایه ۸- آزمون دقیق فیشر - اروین

فرضیه صفر	موضوع	سطح معنی‌داری آزمون دقیق فیشر - اروین	سطح معنی‌دار ( $\alpha$ )	نتیجه آزمون فرضیه صفر
فرضیه اول	ارزیابی ارزش پایه سهام	۰/۰۰۰	۱ درصد	فرضیه صفر تأیید نشد.
فرضیه دوم	ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری	۰/۰۰۰	۱ درصد	فرضیه صفر تأیید نشد.
فرضیه سوم	ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری	۰/۰۰۰	۱ درصد	فرضیه صفر تأیید نشد.

نمایه ۹- ضریب پیوند دی - سامرز و ضریب پیوند گاما

فرضیه صفر	موضوع	ضریب پیوند دی - سامرز	تفسیر	ضریب پیوند گاما	تفسیر
فرضیه اول	ارزیابی ارزش پایه سهام	-۰/۶	معکوس و شدید.	-۰/۹۳	معکوس و کاملاً شدید.
فرضیه دوم	ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری	-۰/۶	معکوس و شدید.	-۰/۹۶	معکوس و کاملاً شدید.
فرضیه سوم	ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری	۰/۴۳	مستقیم و نسبتاً شدید.	۰/۷۳	مستقیم و شدید.

همان‌طور که از جدول آزمون دقیق فیشر - اروین بر می‌آید، با توجه به این که در مورد هر سه فرضیه صفر از فرضیه‌های گروه اول، مقدار آماره آزمون کمتر از سطح معنی‌دار مقرر است، لذا نتایج حاصل از اجرای آزمون کای - دو پیرسون و نسبت درست‌نمایی تأیید شده و هر سه فرضیه صفر با ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید قرار نگرفته است. در واقع، وجود تفاوت معنی‌دار آماری میان پاسخ‌های دریافت شده از گروه آزمایش و گروه کنترل، رد نمی‌شود و این نیز بر بار و محتوای اطلاعات مالی افشا شده بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری صحنه می‌گذارد.

تفسیر نتایج حاصل از محاسبه ضریب پیوند دی - سامرز مستلزم تخصیص کدهای (۱) و (۲) به ترتیب به سطرها و ستون‌های سه جدول توافقی است؛ بر این اساس، ستون گروه آزمایش و ستون گروه کنترل به ترتیب دارای کدهای (۱) و (۲) می‌باشند؛ و سطر حاوی واحد تجاری (الف) < واحد تجاری (ب) و سطر حاوی واحد تجاری (ب) < واحد تجاری (الف) به ترتیب از کدهای (۱) و (۲) برخوردار هستند. ضریب پیوند دی - سامرز نشان می‌دهد که

حرکت از ستون (۱) به ستون (۲) تا چه اندازه و در چه جهت موجب تغییر در سطرهای تعریف شده می‌گردد. بنابراین، در ارتباط با فرضیه‌های مربوط به ارزیابی ارزش پایه سهام و ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری منتخب، به دلیل منفی بودن ضریب محاسبه شده، حرکت از ستون (۱) به ستون (۲) موجب حرکت از سطر (۲) به سطر (۱) می‌شود. به بیان دیگر، ورود متغیر مستقل پژوهش به عرصه طرح آزمایش موجب گرایش به ارزیابی بهتر ارزش پایه سهام واحد تجاری (ب) و بازده سرمایه‌گذاری این واحد تجاری می‌گردد. این در حالی است که در خصوص فرضیه مربوط به ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری منتخب، به دلیل مثبت بودن ضریب محاسبه شده، حرکت از ستون (۱) به ستون (۲) موجب حرکت از سطر (۱) به سطر (۲) می‌شود. به بیان دیگر، ورود متغیر مستقل پژوهش به عرصه طرح آزمایش موجب گرایش به ارزیابی واحد تجاری (ب) به عنوان واحد تجاری برخوردار از مخاطره سرمایه‌گذاری کمتر و مناسب‌تر می‌گردد. البته ذکر این مطلب ضروری است که پرسش‌های طرح شده در زمینه ارزیابی بازده و مخاطره سرمایه‌گذاری جنبه کاملاً مستقل دارد؛ چه در صورتی که فرض مستقیم بودن رابطه مخاطره و بازده طرح شود، بدیهی است که نتایج حاصل از تفسیر ضریب پیوند دی - سامرز با تردید رو به رو خواهد بود. اما تحلیل نتایج حاصل از محاسبه ضریب پیوند گاما، که بر حسب رابطه میان متغیر مستقل (اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری) و کل پاسخ‌های دریافت شده از تمام آزمودنی‌های طرح آزمایش به عنوان متغیر وابسته معنی‌دار است، به طور کامل موجب تأیید نتایج حاصل از آزمون کای - دو پیرسون، نسبت درست‌نمایی و محاسبات مربوط به ضریب پیوند دی - سامرز می‌شود؛ به طوری که متغیر مستقل با پاسخ‌های مربوط به گزینش واحد تجاری (الف) به عنوان واحد تجاری برتر از جهت ارزش پایه سهام و بازده سرمایه‌گذاری رابطه معکوس دارد و با پاسخ‌های مربوط به گزینش واحد تجاری (ب) به عنوان واحد تجاری برتر به لحاظ کمتر بودن مخاطره سرمایه‌گذاری، از رابطه‌ای مستقیم برخوردار است. با این حال، شدت رابطه محاسبه شده برای دو متغیر وابسته اول (ارزیابی ارزش پایه سهام و ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری) در مقایسه با سومین متغیر وابسته (ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری) به مراتب بیشتر و قوی‌تر مشاهده شده است.

## تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از طرح زمینه‌یابی

اجرای طرح زمینه‌یابی با استفاده از پرسشنامه منجر به حصول پاسخ‌های متنوعی شده است. پیش از بررسی داده‌های گردآوری شده در نتیجه اجرای طرح زمینه‌یابی، ذکر این مطلب ضروری است که تعداد پرسشنامه‌های دریافت شده از مخاطبان در کل ۶۱ پرسشنامه بوده است که یکی از آنها به دلیل ناقص بودن و متناقض بودن پاره‌ای از پاسخ‌های ارائه شده، از مجموعه داده‌های گردآوری شده کنار گذاشته شد تا زمینه آلودگی مبانی اولیه اجرای تجزیه و تحلیل‌های آماری و آزمون فرضیه‌های گروه دوم را فراهم نکند. بر این اساس، ۶۰ پاسخ قابل استفاده استخراج و تلخیص شد و بر پایه آن، بیست و یک فرضیه گروه دوم مورد آزمون قرار گرفت.

در بخش اول پرسشنامه پژوهش، تعدادی پرسش عمومی که نوعاً مرتبط با خصوصیات فردی مخاطبان است، مطرح شده بود. نتایج حاصل از گردآوری اطلاعات عمومی - جمعیت‌شناسی که می‌تواند در پژوهش‌های آتی نیز از کاربرد وسیعی برخوردار باشد، به شرح نمایه شماره ۱۰ است.

پرسش اول از بخش اول پرسشنامه به موضوع سوابق فعالیت حرفه‌ای مخاطبان اختصاص داشته است. به طوری که از اطلاعات ارائه شده در نمایه ۱۰ بر می‌آید، ۴۳/۳ درصد از مخاطبان بین ۵ تا ۱۵ سال، ۱۱/۷ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ سال و ۳/۳ درصد آنها بیش از ۲۵ سال سابقه فعالیت حرفه‌ای دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ۵۸/۳ درصد مخاطبان پرسشنامه بیش از ۵ سال سوابق فعالیت حرفه‌ای دارند.

پرسش دوم از بخش اول پرسشنامه مربوط به بالاترین مدرک تحصیلی مخاطبان است. همان‌گونه که از اطلاعات نمایه ۱۰ بر می‌آید، ۵۸/۳ درصد مخاطبان دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳/۳ درصد آنها نیز دارای مدرک دکتری می‌باشند. بر این اساس، می‌توان استنتاج کرد که ۶۱/۶ درصد مخاطبان پرسشنامه حداقل دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند.

نمایه شماره ۱۰ - خلاصه اطلاعات عمومی - جمعیت‌شناسی

ردیف	شرح	فراوانی مطلق $F_i$	فراوانی نسبی $f_i$	فراوانی نسبی انباشته $f_{ci}$
۱	سوابق فعالیت حرفه‌ای کمتر از ۵ سال بین ۵ تا ۱۵ سال بین ۱۵ تا ۲۵ سال بیش از ۲۵ سال جمع	۲۵	۴۱/۷	۴۱/۷
		۲۶	۴۳/۳	۸۵
		۷	۱۱/۷	۹۶/۷
		۲	۳/۳	۱۰۰
		۶۰	۱۰۰	-
۲	بالاترین مدرک تحصیلی کارشناسی کارشناسی ارشد دکتری سایر جمع	۲۳	۳۸/۳	۳۸/۳
		۳۵	۵۸/۳	۹۶/۷
		۲	۳/۳	۱۰۰
		۰	۰	۱۰۰
		۶۰	۱۰۰	-
۳	رشته اصلی تحصیلی حسابداری مدیریت اقتصاد سایر جمع	۲۴	۴۰	۴۰
		۱۲	۲۰	۶۰
		۲۰	۳۳/۳	۹۳/۳
		۴	۶/۷	۱۰۰
		۶۰	۱۰۰	-
۴	گروه سنی کمتر از ۳۰ سال بین ۳۰ تا ۴۰ سال بین ۴۰ تا ۵۰ سال بیش از ۵۰ سال جمع	۲۰	۳۳/۳	۳۳/۳
		۱۸	۳۰	۶۳/۳
		۱۶	۲۶/۷	۹۰
		۶	۱۰	۱۰۰
		۶۰	۱۰۰	-
۵	سمت سازمانی کارشناس سرمایه‌گذاری معاون سرمایه‌گذاری و طرح‌ها کارشناس مالی سایر جمع	۴۰	۶۶/۷	۶۶/۷
		۶	۱۰	۷۶/۷
		۱۴	۲۳/۳	۱۰۰
		۰	۰	۱۰۰
		۶۰	۱۰۰	-

پرسش سوم از بخش اول پرسشنامه به ارزیابی رشته اصلی تحصیلی مخاطبان پرسشنامه مربوط است. از اطلاعات ارائه شده در نمایه ۱۰ استنتاج می‌شود که ۴۰ درصد مخاطبان دارای مدرک تحصیلی در رشته حسابداری و ۳۳/۳ درصد آنها دارای تحصیلات در رشته اقتصاد می‌باشند. با توجه به مربوط بودن زمینه تحصیلی این دو گروه از مخاطبان، می‌توان نتیجه گرفت که ۷۳/۳ درصد از مخاطبان از زمینه تحصیلی مرتبط با موضوع پژوهش برخوردار بوده‌اند. هم‌چنین ۲۰ درصد مخاطبان دارای زمینه تحصیلی در رشته مدیریت می‌باشند و این امر از آن جهت که دانش آموختگان این رشته نیز با مسائل مالی و تحلیل سرمایه‌گذاری آشنایی دارند، می‌تواند نقطه قوت دیگری در ارتباط با ترکیب مخاطبان پرسشنامه محسوب شود.

پرسش چهارم از بخش اول پرسشنامه به بررسی گروه سنی مخاطبان پرداخته است. نتایج حاصل شده حکایت از تمرکز گروه سنی در محدوده زیر ۴۰ سال دارد که این امر گویای ترکیب نسبتاً جوان و مناسب برای مخاطبان پرسشنامه است.

پرسش پنجم از بخش اول پرسشنامه به بررسی سمت سازمانی مخاطبان می‌پردازد. اطلاعات ارائه شده در قالب نمایه ۱۰ نشان‌دهنده آن است که ۶۶/۷ درصد مخاطبان پرسشنامه، کارشناس سرمایه‌گذاری هستند و ۱۰ درصد نیز سمت معاون سرمایه‌گذاری و طرح‌های شرکت را بر عهده دارند. ترکیب این دو گروه حکایت از آن دارد که ۷۶/۷ درصد مخاطبان پرسشنامه را افرادی تشکیل داده‌اند که مستقیماً با موضوع تحلیل صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مربوط برای تصمیم‌گیری در راستای تخصیص منابع به سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری مختلف، ارتباط دارند.

از مطالعه اطلاعات عمومی - جمعیت‌شناسی می‌توان نکات با اهمیتی را استخراج کرد؛ اولاً - ۵۸/۳ درصد مخاطبان بیش از ۵ سال سابقه فعالیت حرفه‌ای دارند، ثانیاً - ۶۱/۶ درصد آنها دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد می‌باشند، ثالثاً - ۷۳/۳ درصد از این گروه دارای زمینه تحصیلی مرتبط با موضوع پژوهش هستند، و رابعاً - ۷۶/۷ درصد آنها دارای مشاغل می‌باشند که به طور مستقیم با موضوع تحلیلگری مالی مرتبط است. جمع‌بندی این موارد می‌تواند موجب طرح این ادعا شود که مخاطبان پرسشنامه را افرادی تشکیل داده‌اند که

از صلاحیت حرفه‌ای و تخصصی لازم برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های طرح شده، برخوردار می‌باشند.

در بخش دوم پرسشنامه پژوهش، چهارده پرسش اساسی در خصوص دیدگاه و نظر مخاطبان درباره زمینه‌های کاربرد اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری مطرح شده است. پاسخ‌های دریافت شده، مبنایی منطقی برای آزمون چهارده فرضیه اول از مجموعه فرضیه‌های گروه دوم را فراهم می‌کند. خلاصه اطلاعات گردآوری شده از بخش دوم پرسشنامه در قالب نمایه ۱۱ تلخیص و ارائه شده است.

نمایه شماره ۱۱ - خلاصه اطلاعات گردآوری شده در خصوص زمینه‌های کاربرد اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری

ردیف	زمینه‌های کاربرد	تعداد پاسخ‌بلی	تعداد پاسخ‌خیر	عدم‌کاربرد (۱)	کاربردا نندک (۲)	کاربرد محدود (۳)	کاربرد نسبی (۴)	کاربردکامل (۵)
۱	پیش‌بینی سود خالص واحد تجاری	۵۸	۲	۱	۱	۱۵	۱۵	۲۸
۲	پیش‌بینی جریان‌های نقدی واحد تجاری	۵۷	۳	۲	۱	۱۵	۲۰	۲۲
۳	ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری در واحد تجاری	۶۰	۰	۰	۰	۶	۱۲	۴۲
۴	پیش‌بینی تغییرات در سود خالص واحد تجاری	۵۸	۲	۲	۰	۱۲	۳۲	۱۴
۵	پیش‌بینی تغییرات در جریان‌های نقدی واحد تجاری	۵۴	۶	۴	۲	۸	۳۶	۱۰
۶	ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری در واحد تجاری	۵۷	۳	۳	۰	۲۰	۱۵	۲۲
۷	ارزیابی بهتر ارزش سهام واحد تجاری	۵۸	۲	۲	۰	۱۰	۲	۴۶
۸	دست‌یابی به شناخت بهتر از کل واحد تجاری	۵۷	۳	۱	۲	۹	۴	۴۴
۹	فراهم آوردن مبنایی برای مقایسه واحدهای تجاری	۵۹	۱	۱	۰	۳۲	۱۵	۱۲
۱۰	ارزیابی بهتر نتایج و وظیفه مباشرت	۴۹	۱۱	۹	۲	۳۶	۱۰	۳
۱۱	گسترش دامنه ارزیابی نتایج و وظیفه مباشرت	۴۹	۱۱	۱۰	۱	۳۸	۹	۲
۱۲	ارزیابی بهتر قسمت‌های عمده فعالیت	۵۵	۵	۳	۲	۱	۴	۵۰
۱۳	شناخت بهتر مشتریان عمده	۴۵	۱۵	۱۴	۱	۳۹	۲	۴
۱۴	شناخت بهتر قسمت‌های تجاری و جغرافیایی	۴۷	۱۳	۱۳	۰	۱۲	۶	۲۹

در بخش سوم پرسشنامه پژوهش نیز هفت پرسش در زمینه دیدگاه‌ها و آرای مخاطبان درباره محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری مطرح شده است. پاسخ‌های دریافت شده در این بخش را می‌توان به عنوان مبنایی منطقی

برای آزمون هفت فرضیه پایانی از مجموعه فرضیه‌های گروه دوم تلقی کرد. خلاصه اطلاعات گردآوری شده از بخش سوم پرسشنامه در قالب نمایه ۱۲ تلخیص و ارائه شده است.

بخش چهارم پرسشنامه پژوهش، به سه پرسش در خصوص نظر و رای مخاطبان پژوهش درباره سایر زمینه‌های کاربرد، سایر محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری و نیز شرایط لازم برای فراهم آوردن بستری مناسب و مساعد در راستای گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری در ایران، اختصاص دارد. نتایج حاصل از این سه پرسش جنبه کاملاً توصیفی دارد و کمیت‌پذیر نیست؛ از این رو، اطلاعات گردآوری شده از این بخش به عنوان جزئی از پیشنهادهای

نمایه شماره ۱۲ - خلاصه اطلاعات گردآوری شده در خصوص محدودیت‌های حاکم بر گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری

ردیف	محدودیتها	تعداد پاسخ‌های عددی	تعداد پاسخ‌های غیر عددی	کاملاً مخالفم (۱)	مخالفم (۲)	نظری ندارم (۳)	موافقم (۴)	کاملاً مخالفم (۵)
۱	تأکید بر مربوط بودن و بی‌توجهی به قابلیت اعتماد	۴۰	۲۰	۱۱	۱۱	۶	۲۱	۱۱
۲	فرونی هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منافع آن	۲۱	۳۹	۱۴	۱۹	۶	۱۴	۷
۳	تحمل بار مالی اضافی برای تهیه و ارائه اطلاعات	۲۸	۳۲	۱۲	۱۹	۶	۲۱	۲
۴	کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری	۳۴	۲۶	۱۲	۶	۸	۲۳	۱۱
۵	تقلیل نیروی انسانی واحد تجاری	۱۲	۴۸	۱۷	۱۹	۱۳	۱۰	۱
۶	افزایش بیجیدگی و گمراه کننده بودن اطلاعات	۱۸	۴۲	۱۶	۲۲	۵	۱۲	۵
۷	بار اضافی اطلاعات برای استفاده کنندگان	۱۶	۴۴	۱۷	۲۲	۵	۱۱	۵

پژوهش مطرح می‌شود.

### آزمون فرضیه‌های گروه دوم

فرضیه‌های گروه دوم دربرگیرنده بیست و یک فرضیه اساسی است؛ که از میان آنها، چهارده فرضیه اول به شناسایی دیدگاه‌ها و آرای مخاطبان درباره زمینه‌های کاربرد اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری اختصاص دارد و هفت فرضیه پایانی نیز به شناسایی

نظرات و آرای مخاطبان در خصوص محدودیت‌های حاکم بر افشای این نوع اطلاعات می‌پردازد. استخراج موارد مطرح شده به عنوان زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیز بر مبنای بررسی ادبیات موضوعی و مبانی نظری پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی صورت گرفته است. اما به رغم قوت استدلال قیاسی در خصوص زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، برای استحکام بیشتر نتایج پژوهش، هر یک از این موارد از جهت استقرایی نیز با استفاده از پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در قالب نمایه‌های ۱۱ و ۱۲ ارائه شد.

نمایه شماره ۱۳ - نتایج آزمون دو جمله‌ای در خصوص وجود یا نبود زمینه کاربرد برای گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری

ردیف	زمینه‌های کاربرد	تعداد پاسخ بلی	تعداد پاسخ خیر	احتمال معنی داری شاهده شده	سطح P = ۵۰٪ P ≠ ۵۰٪ P = ۵۰٪	وجود یا نبود تفاوت معنی‌دار	نتیجه آزمون قرضیه صفر
۱	پیش‌بینی سودخالص واحد تجاری	۵۸	۲	۹۷٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۲	پیش‌بینی جریان‌های نقدی واحد تجاری	۵۷	۳	۹۵٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۳	ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری در واحد تجاری	۶۰	۰	۱۰۰٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۴	پیش‌بینی تغییرات در سودخالص واحد تجاری	۵۸	۲	۹۷٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۵	پیش‌بینی تغییرات در جریان‌های نقدی واحدهای تجاری	۵۴	۶	۹۰٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۶	ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری در واحد تجاری	۵۷	۳	۹۵٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۷	ارزیابی به‌ترارزش سهام واحد تجاری	۵۸	۲	۹۷٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۸	دست‌یابی به شناخت بهتر از کل واحد تجاری	۵۷	۳	۹۵٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۹	فراهم آوردن مبنایی برای مقایسه واحدهای تجاری	۵۹	۱	۹۸٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۱۰	ارزیابی بهتر نتایج وظیفه مباشرت	۴۹	۱۱	۸۲٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۱۱	گسترش دامنه ارزیابی نتایج وظیفه مباشرت	۴۹	۱۱	۸۲٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۱۲	ارزیابی بهتر قسمت‌های عمده فعالیت	۵۵	۵	۹۲٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۱۳	شناخت بهتر مشتریان عمده	۴۵	۱۵	۷۵٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.
۱۴	شناخت بهتر قسمت‌های تجاری و جغرافیایی	۴۷	۱۳	۷۸٪	۰/۰۰۰	تفاوت معنی‌دار وجود دارد.	تأیید نشد.

بر این اساس، با اتکا بر اطلاعات گردآوری شده در نتیجه اجرای طرح زمینه‌یابی، وجود یا نبود زمینه کاربرد برای گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این راستا، بر پایه تعداد پاسخ‌های بلی یا خیر، از تحلیل‌های آماری



متکی بر آزمون دو جمله‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ارزش مورد انتظار ۵۰ درصد استفاده شد تا چهارده فرضیه اول از مجموعه فرضیه‌های گروه دوم، آزمون شود.

نمایه ۱۳ خلاصه تحلیل‌های به عمل آمده در این حوزه و نتایج حاصل از آزمون فرضیه صفر با استفاده از آزمون دو جمله‌ای را نشان می‌دهد.

نتایج تحلیل آماری اطلاعات گردآوری شده در قالب پاسخ‌های بلی یا خیر که در قالب نمایه ۱۳ ارائه شده است، بر وجود رابطه معنی‌دار آماری میان گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری و کلیه زمینه‌های کاربرد مطرح شده، دلالت دارد.

اما از آن جا که در راستای تعیین میزان کاربرد اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری در محدوده هر یک از زمینه‌های مطرح شده، از مقیاس ۵ رتبه‌ای لیکرت استفاده به عمل آمده است، لذا اطلاعات گردآوری شده در این زمینه ابتدا با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هم‌چنین برای تعیین وجود یا نبود رابطه معنی‌دار آماری میان هر یک از زمینه‌های کاربرد با گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری، از تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر آمار استنباطی استفاده شد؛ و در این ارتباط، با اتکا بر راه‌بردهای به کار رفته در سایر پژوهش‌های حسابداری و نیز اخذ نظر اساتید راهنما و مشاور، گزینه‌های ۳، ۴ و ۵ که به ترتیب عبارتند از کاربرد محدود، کاربرد نسبی و کاربرد کامل به عنوان گزینه‌هایی در نظر گرفته شدند که بر وجود رابطه معنی‌دار دلالت دارند.

با در نظر گرفتن سطح پایداری تعریف شده و با استفاده از آزمون آماری T در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار بودن رابطه متغیر مستقل (اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری) با متغیرهای وابسته (زمینه‌های کاربرد تعریف شده) مورد سنجش و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل شده در قالب نمایه ۱۴ ارائه شده است.

بر پایه آزمون دو جمله‌ای، وجود رابطه معنی‌دار آماری میان گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری و کلیه زمینه‌های کاربرد، تأیید گردید. به علاوه، میزان کاربرد بر اساس آمار توصیفی و معنی‌دار بودن آن بر اساس آزمون آماری T نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد سنجیده شد که نتایج آن در قالب نمایه ۱۴ منعکس شده است.

به طوری که از اطلاعات مندرج در این جدول بر می‌آید، از میان زمینه‌های کاربرد مورد

بررسی، فرضیه صفر مربوط به وجود زمینه کاربرد برای گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری جهت ارزیابی بهتر نتایج وظیفه مباشرت مدیریت و گسترش دامنه ارزیابی نتایج وظیفه مباشرت مدیریت تأیید شده است. به عبارت دیگر، بر پایه نظرات و آرای گردآوری شده و نیز تحلیل‌های آمار استنباطی به عمل آمده، به استثنای دو زمینه کاربرد مورد اشاره، می‌توان در سطح ۹۵ درصد اطمینان ادعا کرد که گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری در سایر زمینه‌های مطرح شده، کاربرد دارد. با این حال، از میان سایر زمینه‌های کاربرد مورد آزمون، مقدار سطح معنی‌داری آماره  $T$  برای شناخت بهتر مشتریان عمده نیز به رغم آن که با سطح خطای تعریف شده تفاوت معنی‌داری دارد، اما از آن جا که میانگین محاسبه شده برای آن، کمتر از سه (آستانه تعریف شده) است، لذا در محدوده قابل قبول پژوهش قرار ندارد. بنابراین، صرف نظر از این واقعیت که فرضیه صفر مربوط به این زمینه کاربرد تأیید نشده است، با این وجود نمی‌توان فرضیه مقابل آن را نیز مورد پذیرش قرار داد. از این رو، وجود زمینه کاربرد از جهت شناخت بهتر مشتریان عمده نیز قابل قبول نیست. به طور خلاصه، از میان چهارده فرضیه اول از مجموعه فرضیه‌های گروه دوم، به جز فرضیه صفر شماره ۱۰ و ۱۱ سایر فرضیه‌های صفر تأیید نشد و بر این اساس چنین استنتاج می‌شود که فرضیه‌های مقابل شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲، و ۱۴ رد شده است.



همچنین با اتکا بر مشخصه‌های مرکزی محاسبه شده در محدوده آمار توصیفی، و مشخصاً بر مبنای میانگین استخراج شده، امکان اولویت‌بندی زمینه‌های کاربرد گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری وجود دارد. اولویت‌بندی زمینه‌های کاربرد در نمایه شماره ۱۵ نشان داده شده است.

نمایه شماره ۱۵ - اولویت‌بندی زمینه‌های کاربرد گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری

ردیف	اولویت	زمینه کاربرد	میانگین (Mean)
۱	اول	ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری در واحد تجاری	۴/۶۰
۲	دوم	ارزیابی بهتر قسمت‌های عمده فعالیت	۴/۶۰
۳	سوم	ارزیابی بهتر ارزش سهام واحد تجاری	۴/۵۰
۴	چهارم	دستیابی به شناخت بهتر از کل واحد تجاری	۴/۴۷
۵	پنجم	پیش‌بینی سود خالص واحد تجاری	۴/۱۳
۶	ششم	پیش‌بینی جریان‌های نقدی واحد تجاری	۳/۹۸
۷	هفتم	پیش‌بینی تغییرات در سود خالص واحد تجاری	۳/۹۳
۸	هشتم	ارزیابی مخاطره سرمایه‌گذاری در واحد تجاری	۳/۸۸
۹	نهم	پیش‌بینی تغییرات در جریان‌های نقدی واحد تجاری	۳/۷۷
۱۰	دهم	شناخت بهتر قسمت‌های تجاری و جغرافیایی	۳/۶۳
۱۱	یازدهم	فراهم آوردن مبنایی برای مقایسه واحدهای تجاری	۳/۶۲

از سوی دیگر، با اتکا بر داده‌های گردآوری شده در نتیجه اجرای طرح زمینه‌یابی، وجود یا نبود محدودیت برای گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری مورد آزمون قرار گرفت. در این ارتباط، بر اساس تعداد پاسخ‌های بلی یا خیر، از تحلیل‌های متکی بر آزمون دو جمله‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ارزش مورد انتظار ۵۰ درصد استفاده شد تا هفت فرضیه پایانی از مجموعه فرضیه‌های گروه دوم، آزمون شود. نمایه شماره ۱۶ خلاصه تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده در این حوزه و نتایج حاصل از آزمون فرضیه صفر با استفاده از آزمون دو جمله‌ای را نشان می‌دهد.

نماینه شماره ۱۶ - نتایج آزمون دو جمله‌ای در خصوص وجود یا نبود محدودیت برای گزارشگری مالی  
بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری

ردیف	محدودیت‌ها	تعداد پاسخ بلی	تعداد پاسخ خیر	احتمال مشاهده شده P = %۵۰	ارزش مورد انتظار P = %۵۰	وجود یا نبود تفاوت معنی دار P = %۵۰? P ≠ %۵۰?	نتیجه آزمون فرضیه صفر
۱	تأکید بر مربوط بودن وی توجیه قابلیت اعتماد	۲۰	۲۰	٪۶۷	۰/۱۱۴	تفاوت معنی دار وجود دارد	تأیید نشد
۲	فزون هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منابع آن	۲۱	۳۹	٪۳۵	۰/۰۲۸	تفاوت معنی دار وجود دارد	تأیید نشد
۳	تحمل بار مالی اضافی برای تهیه و ارائه اطلاعات	۲۸	۳۲	۰/۴۷	۰/۶۹۹	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تأیید شد
۴	کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری	۳۴	۲۶	٪۵۷	۰/۳۶۶	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تأیید شد
۵	تقلیل نیروی انسانی واحد تجاری	۱۴	۲۸	٪۲۰	۰/۰۰۰	تفاوت معنی دار وجود دارد	تأیید نشد
۶	افزایش پیچیدگی و گمراه کننده بودن اطلاعات	۱۸	۲۲	٪۳۰	۰/۰۰۳	تفاوت معنی دار وجود دارد	تأیید شد
۷	بار اضافی اطلاعات برای استفاده کنندگان	۱۶	۲۴	٪۲۷	۰/۰۰۰	تفاوت معنی دار وجود دارد	تأیید شد

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده در قالب پاسخ‌های بلی یا خیر در نماینه شماره ۱۶ ارائه شده است. همچنین نتایج آزمون فرضیه‌های آماری در آخرین ستون جدول مزبور مطرح گردیده است. اما تفسیر نتایج با توجه به اهداف پژوهش کاملاً ضروری جلوه می‌کند. در خصوص محدودیت ردیف ۱، وجود تفاوت معنی دار در جهت اهداف پژوهش است و از این رو، تأیید نشدن فرضیه صفر، قابل قبول است. در ارتباط با محدودیت ردیف ۲، وجود تفاوت معنی دار از جهت اهداف پژوهش قابل قبول نیست؛ چراکه صرفاً ۳۵ درصد مخاطبان با این محدودیت، موافقت داشته‌اند و به رغم تأیید نشدن فرضیه صفر، فرضیه مقابل در جهت عکس اهداف پژوهش قرار دارد. در مورد محدودیت‌های ردیف ۳ و ۴، تأیید شدن فرضیه صفر در راستای اهداف پژوهش قرار ندارد و قابل پذیرش نیست. در خصوص محدودیت‌های ردیف ۵، ۶ و ۷ عدم تأیید فرضیه صفر و وجود تفاوت معنی دار آماری، در موازات اهداف پژوهش می‌باشد و بنابراین قابل قبول است. خلاصه آن که، با اتکا بر استدلال ارائه شده، از میان محدودیت‌های مورد بررسی تنها می‌توان محدودیت‌های ردیف ۱، ۳ و ۴ را به عنوان محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری تلقی کرد.

اما از آنجا که در راستای تعیین میزان توافق مخاطبان پرسشنامه درباره وجود یا نبود محدودیت برای گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری در هر یک

زمینه‌های طرح شده، از مقیاس ۵ رتبه‌ای لیکرت استفاده شده است، از این رو، اطلاعات گردآوری شده در این زمینه ابتدا با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هم‌چنین برای تعیین وجود یا نبود رابطه معنی‌دار آماری میان هر یک از محدودیت‌های طرح شده با گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری، از تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر آمار استنباطی استفاده شد؛ و در این راستا، با اتکا بر راه‌بردهای به کار رفته در سایر پژوهش‌های حسابداری و نیز مشورت با اساتید راهنما و مشاور، گزینه ۳، ۴ و ۵ که به ترتیب عبارتند از نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم به عنوان گزینه‌های در نظر گرفته شدند که بر وجود رابطه معنی‌دار آماری دلالت دارند.

با در نظر گرفتن سطح پایداری تعریف شده و با اتکا بر آزمون آماری  $T$  در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار بودن رابطه متغیر مستقل (اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری) با متغیرهای وابسته (محدودیت‌های تعریف شده) مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل شده در نمایه شماره ۱۷ ارائه شده است.

اگر چه بر مبنای استدلال مطرح شده در خصوص آزمون دو جمله‌ای صرفاً محدودیت‌های ردیف ۱، ۳ و ۴ به عنوان محدودیت‌های حاکم بر گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری معرفی شدند و فرضیه صفر مربوط به آنها با توجه به اهداف پژوهش تأیید شد، با این حال، اجرای آزمون آماری  $T$  در سطح اطمینان ۹۵ درصد نتایج دیگری را نیز به دست می‌دهد.

## نمونه ۱۷ - نتایج آزمون وود یا نبود زمینه کاربرد برای گزارشگری مالی بر حسب قسمت های مختلف واحد تجاری

ردیف	زینت های کاربرد	میانگین Mean	انحراف استاندارد Standard Deviation	ضریب چولگی Skewness	ضریب کجی Kurtosis	حد بالای فاصله اطمینان ۹۵٪ Higher Bound	حد پایین فاصله اطمینان ۹۵٪ Lower Bound	ضریب تغییرات Coefficient of Variation	مقدار آماره T df=۵۹	اندازه سطح معنی داری آماره T 2-tail prob	نتیجه در سطح $\alpha=0.05$	تایید نشد
۱	تأکید بر مربوط بودن اطلاعات ذی ترجمی به قابلیت اعتماد آن	۳/۱۷	۱/۴۱۶	-۰/۳۰۵	-۱/۳۰۶	۲/۵۳	۲/۸۰	۴۴/۶۶۸	-۰/۹۱۲	۰/۳۶۶	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تایید نشد
۲	فزونین هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منافع آن	۲/۶۸	۱/۳۷۲	۰/۳۱۵	-۱/۲۴۸	۳/۰۴	۲/۳۳	۵۱/۱۹۴	۱/۷۸۸	۰/۰۷۹	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تایید نشد
۳	تحصل بار مالی اضافی برای تهیه و ارائه اطلاعات	۲/۷۰	۱/۲۳۹	۰/۰۶۸	-۱/۴۰۲	۳/۰۲	۲/۳۸	۴۵/۸۸۹	۱/۸۷۵	۰/۰۶۶	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تایید نشد
۴	کاهش مرزت رقابتی واحد تجاری	۳/۲۵	۱/۴۰	-۰/۵۰۰	-۱/۱۰۳	۳/۶۱	۲/۸۹	۴۲/۳۸۴	۱/۳۷۴	۰/۱۷۵	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تایید نشد
۵	تقلیل نیروی انسانی واحد تجاری	۲/۳۲	۱/۸۱۲	۰/۴۰۵	-۰/۸۷۵	۲/۶۰	۲/۰۳	۴۷/۹۳۱	-۴/۷۵۹	۰/۰۰۰	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تایید نشد
۶	افزایش پیچیدگی و گمراه کننده بودن اطلاعات	۲/۴۷	۱/۳۰۸	۰/۵۶۹	-۰/۹۲۹	۲/۱۳	۲/۸۰	۵۲/۹۵۵	-۳/۱۵۹	۰/۰۰۳	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تایید نشد
۷	بار اضافی اطلاعات برای استفاده کنندگان	۲/۴۸	۱/۳۳۷	۰/۵۳۰	-۱/۰۷۵	۲/۸۲	۲/۱۳	۵۲/۹۱۱	۳/۰۶۵	۰/۰۰۳	تفاوت معنی دار وجود ندارد	تایید نشد

به طوری که از اطلاعات مندرج در نمایه شماره ۱۷ بر می‌آید، فرضیه صفر مربوط به محدودیت‌های ناشی از تأکید بر مربوط بودن اطلاعات و بی‌توجهی به قابلیت اعتماد آن، فزونی هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منافع آن، تحمل بار مالی اضافی برای تهیه و ارائه اطلاعات و کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری، مورد تأیید قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، علاوه بر محدودیت تأیید شده بر مبنای آزمون دو جمله‌ای، محدودیت ردیف ۲ که ناشی از فزونی هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منافع آن است نیز به عنوان یکی دیگر از محدودیت‌های حاکم بر افشای اطلاعات مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری مورد تأیید قرار می‌گیرد. اما از میان این موارد، تنها محدودیت‌های ردیف ۱ و ۴ دارای میانگین بزرگ‌تر از سه (آستانه تعریف شده) می‌باشند و در راستای اهداف پژوهش قرار دارند. بنابراین از میان هفت فرضیه پایانی از مجموعه فرضیه‌های گروه دوم، صرفاً تأیید فرضیه صفر شماره‌های ۱۵ و ۱۸ قابل پذیرش بوده و در راستای اهداف پژوهش قرار دارند.

هم‌چنین با استفاده از مشخصه‌های مرکزی محاسبه شده در محدوده آمار توصیفی، و به طور مشخص بر پایه میانگین استخراج شده، امکان اولویت‌بندی محدودیت‌های حاکم بر گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری وجود دارد. اولویت‌بندی این محدودیت‌ها در نمایه شماره ۱۸ ارائه شده است.

نمایه شماره ۱۸ - اولویت‌بندی محدودیت‌های حاکم بر گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری

ردیف	اولویت	محدودیت	میانگین (Mean)
۱	اول	کاهش مزیت رقابتی واحد تجاری	۳/۲۵
۲	دوم	تأکید بر مربوط بودن اطلاعات و بی‌توجهی به قابلیت اعتماد آن	۳/۱۷

توجه به هر یک از این محدودیت‌ها، بستری را برای طرح پیشنهادهایی جهت هموارسازی مسیر افشای اطلاعات مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری فراهم می‌کند؛ این پیشنهادهای و تحلیل‌های مربوط به آنها در بخش بعد ارائه خواهد شد.



## نتیجه‌گیری از پژوهش و طرح محدودیت‌های آن

در این پژوهش، ابتدا از طریق مطالعه ادبیات موضوعی مرتبط با افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، بررسی ادبیات نظری مالی و نیز کنکاش در نظریه‌های حاکم بر اقتصاد اطلاعات، استدلال قیاسی لازم برای حمایت از موضوع گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری، ارائه شد. اما در جهت ارائه استدلال استقرائی متناسب با شرایط محیطی ایران، از طریق به‌کارگیری هم‌زمان طرح آزمایش و طرح زمینه‌یابی مقطعی، تلاش شد تا شواهدی معتبر در خصوص استدلال قیاسی مطرح شده، گردآوری و ارائه شود.

نتایج حاصل از قرینه‌پیمایی انجام شده در این پژوهش تا حد زیادی نظریه‌های موجود در زمینه ادبیات مالی، اقتصادی و حسابداری را تأیید می‌کند؛ با این حال، پاره‌ای از این نظریه‌ها و آرای مطرح شده در قالب آنها مورد تأیید قرار نگرفته و گمان‌هایی در مورد آنها هنوز باقی است.

تدوین استاندارد حسابداری شماره ۲۵ در ایران که به زودی نیز در سطح واحدهای تجاری لازم‌الاجرا خواهد شد را می‌توان به عنوان اقدامی مقتضی تلقی کرد؛ چرا که شواهد گردآوری شده در این پژوهش حکایت از تأثیر مثبت اطلاعات مالی قسمت‌ها بر قضاوت‌ها و تصمیم‌های انجام شده در حوزه ارزیابی ارزش پایه سهام، بازده سرمایه‌گذاری و مخاطره سرمایه‌گذاری دارد. در واقع، با ورود متغیر مستقل به عرصه پژوهش، متغیرهای وابسته به طور قابل ملاحظه‌ای دست‌خوش تغییر و تحول شده‌اند؛ و این امر نشان‌دهنده بار و محتوای مؤثر اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری است. این در حالی است که شواهد مکمل گردآوری شده در این پژوهش، مؤید ضرورت توجه تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری در ایران به موارد متعددی است. استفاده از رویکرد مدیریت و تأکید بر ساختار داخلی سازمانی واحد تجاری و به‌کارگیری آن برای مقاصد گزارشگری مالی برون‌سازمانی، اگر چه می‌تواند منجر به ارائه اطلاعات مربوط شود با این حال، مقایسه‌پذیری اطلاعات میان واحدهای تجاری را تا حد زیادی مخدوش و آلوده می‌کند. از سوی دیگر، گسترش دامنه افشا و ملزم ساختن واحدهای تجاری به ارائه اطلاعات درباره جزئیات فعالیت‌ها و قسمت‌های

مختلف، به واقع می‌تواند موقعیت رقابتی واحدهای تجاری را به مخاطره افکند و انگیزه‌های موجود برای شفافیت در اطلاع‌رسانی را تیره و تار کند. برقراری و ایجاد موازنه میان افشای اطلاعات مربوط که هم‌زمان از خصوصیت مقایسه‌پذیری برخوردار است، چالشی است که هنوز هم در بسیاری از کشورهای جهان و پیشگام در عرصه تدوین استانداردهای حسابداری، مطرح می‌باشد. به همین ترتیب، کاستن از دامنه افشا با هدف پیشگیری از خدشه‌دار شدن جایگاه رقابتی واحد تجاری نیز تا حد زیادی جنبه قضاوتی دارد؛ اما نمی‌توان از این دو استدلال برای چشم‌پوشی از اجرای بررسی‌های مستمر و انجام تعدیلات لازم در متن استانداردهای حسابداری مرتبط، بهره جست؛ بلکه باید از آنها به عنوان زمینه‌ای برای بهینه‌سازی الزامات حاکم بر گزارشگری مالی بر حسب قسمت‌های مختلف واحد تجاری استفاده لازم را به عمل آورد.

یکی دیگر از ابعادی که در نتیجه تعمق در شواهد گردآوری شده قابل استنتاج است، موضوع ارزیابی نتایج وظیفه مباشرت مدیریت در قبال منابعی است که به رسم امانت، به دست آنان سپرده شده است. بر پایه این شواهد، استفاده از اطلاعات مالی قسمت‌ها در راستای تحقق این آرمان، کاربرد قابل قبولی ندارد؛ و این در حالی است که استفاده از مجموعه صورت‌های مالی کل واحدهای تجاری نیز جهت دستیابی به این مهم، با شک و تردید توأم است. در واقع، فقر فرهنگ پاسخ‌گویی و پاسخ‌خواهی در ایران در تمام ابعاد، سبب می‌شود تا اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری نیز در این حوزه از کاربرد کمی برخوردار باشد؛ ضمن آن که شناخت مشتریان عمده واحد تجاری نیز که اغلب از طریق سایر منابع اطلاع‌رسانی قابل دستیابی است، از مواردی می‌باشد که بر مبنای شواهد موجود، نمی‌توان آن را به عنوان یکی از زمینه‌های کاربرد اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری تلقی کرد.

خلاصه آن که با اجرای استاندارد حسابداری شماره ۲۵، بستر مناسبی فراهم می‌شود تا استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و از آن جمله سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بتوانند اولاً مخاطره و بازده سرمایه‌گذاری را به گونه‌ای بهتر ارزیابی کنند، ثانیاً ارزش سهام واحد تجاری را منطقی‌تر تعیین نمایند، ثالثاً از طریق شناخت بهتر قسمت‌های تجاری و جغرافیایی و

قسمت‌های عمده فعالیت در آن، شناخت بهتری از کل واحد تجاری به دست آورند و رابعاً - قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های منطقی‌تری را درباره یک واحد تجاری به عمل آورند. بعلاوه، از دیدگاه خبرگان مالی و سرمایه‌گذاری نیز تلقی مواردی چون تحمل بار مالی اضافی برای تهیه و ارائه اطلاعات، فزونی هزینه تهیه و ارائه اطلاعات بر منافع آن، افزایش پیچیدگی و گمراه‌کننده بودن اطلاعات و ایجاد بار اضافی اطلاعات برای استفاده‌کنندگان در ایران به طور کامل منتفی است و نمی‌توان از آن به عنوان استدلالی جهت امتناع از افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری استفاده کرد.

در اجرای پژوهش حاضر، محدودیت‌های متعددی از جهات گوناگون، پژوهشگر و اقدامات او را تحت تأثیر قرار داده بود که عمده‌ترین آنها بدین شرح است.

### محدودیت در جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش، سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در سهام واحدهای تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تعریف شد. نامحدود و دشوار بودن تبیین مرزهای این جامعه بزرگ سبب شد تا یک جامعه جانشین مناسب، انتخاب و طرح پژوهش با استفاده از آن به اجرا در آید. با کسب فهرست اعضای این جامعه آماری، مشخص شد که تعدادی از عناصر جامعه در خارج از حوزه جغرافیایی شهر تهران قرار دارند. اما به دلیل محدودیت زمانی پیش‌روی پژوهشگران، ناگزیر این عناصر از جامعه جانشین حذف شده و کنار گذاشته شده‌اند. بدیهی است تعیین اندازه نمونه با استفاده از کل اعضای جامعه جانشین، موجب حصول نمونه بزرگ‌تر می‌گردد.

### محدودیت در ابزار مورد استفاده در طرح آزمایش

داده‌های مالی مورد استفاده در طرح آزمایش، ساخته و پرداخته دست مجریان پژوهش بوده و از این رو جنبه کاملاً فرضی داشته است. بدیهی است که در اختیار نبودن اطلاعات واقعی یکی از محدودیت‌هایی است که در برابر نتایج حاصل از این پژوهش قرار دارد.

### محدودیت روش‌شناسی پژوهش

استفاده از طرح آزمایش منجر به ایجاد نوعی شرایط مصنوعی می‌گردد که می‌تواند بر رفتارها و واکنش‌های آزمودنی‌ها اثر داشته باشد. در واقع، شکل‌گیری این احساس که شرایط ایجاد شده، از نوع شرایط مصنوعی است ممکن است منجر به حصول پاسخ‌های مصنوعی شود. از سوی دیگر، رهنمودهای ارائه شده در جریان اجرای آزمایش ممکن است به نوعی منجر به ایجاد سوگیری در دیدگاه‌ها و آرای ابراز شده از سوی آزمودنی‌ها شود. خلاصه آن‌که، مصنوعی بودن شرایط و ایجاد نوعی کنترل از پیش تعریف شده بر محیط آزمایش، یکی از اساسی‌ترین دشواری‌های پیش‌روی پژوهشگرانی است که از طرح‌های آزمایش استفاده می‌کنند.

این همه در حالی است که به کارگیری ابزار پرسشنامه، ذاتاً دارای محدودیت‌های بنیادی می‌باشد که از آن جمله می‌توان به ناتوانی در دست‌یابی به حقیقت و دریافت پاسخ‌های متناقض اشاره کرد. در این پژوهش تلاش شد تا با حضور مجریان طرح در عرصه زمینه‌یابی، مخاطرات ناشی از برگشت نشدن پرسشنامه و یا شکل‌گیری پاسخ‌های متناقض جلوگیری شود.

### محدودیت‌های ناشی از استدلال قیاسی

مبانی حاکم بر اجرای طرح آزمایش و طرح زمینه‌یابی مقطعی به طور کامل از بنیادها و نظریه‌های شکل گرفته در کشورهای پیشگام در عرصه حسابداری برگرفته شده است و لزوماً با شرایط محیطی ایران انطباق ندارد. ای بسا پاره‌ای از زمینه‌های کاربرد و محدودیت‌های طرح شده، از دیدگاه نمونه انتخابی چندان هم با اهمیت تلقی نشده باشد.

### پیشنهاد‌های پژوهش

پیشنهاد به مراجع رسمی تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی

بدیهی است اعتبار بخشیدن به اطلاعات مستلزم رسیدگی و اظهارنظر حسابرسان مستقل به اطلاعات مالی ارائه شده از سوی واحد تجاری است. در حال حاضر، تنها استاندارد مرتبط

با رسیدگی و اظهار نظر نسبت به اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری، بخش ۵۰ استانداردهای حسابرسی است که به موضوع شواهد اختصاص دارد. پر واضح است که افزودن رهنمودهای حسابرسی خاص برای رسیدگی به اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری می‌تواند بر اعتبار این اطلاعات بیفزاید و موازنه مطلوبی را میان خصوصیات کیفی اطلاعات مالی ایجاد کند.

#### پیشنهاد به مقامات و مراجع بورس اوراق بهادار تهران

لازم‌الاجرا شدن استاندارد حسابداری شماره ۲۵ و افشای اطلاعات مالی قسمت‌ها از سوی واحدهای تجاری در عرصه بازار سرمایه می‌تواند پیامدهای مطلوب و نامطلوبی را در این بازار به همراه داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که مقامات و مراجع بورس اوراق بهادار تهران و مشخصاً شورای بورس، برنامه تدوین الزامات بازار سرمایه در خصوص افشای اطلاعات مالی قسمت‌ها از سوی واحدهای تجاری پذیرفته شده یا خواهان اخذ پذیرش در بورس اوراق بهادار تهران را در دستور کار خود قرار داده و به طور جدی پیگیری کنند.

#### پیشنهاد به پژوهشگران حسابداری

لازم‌الاجرا شدن استاندارد حسابداری شماره ۲۵ می‌تواند بستری را برای اجرای پژوهش‌های متکی بر داده‌های واقعی فراهم کند. به بیان دیگر با افشای اطلاعات مالی قسمت‌های مختلف واحد تجاری امکان اجرای پژوهش‌های تجربی در زمینه سودمندی این نوع اطلاعات جهت پیش‌بینی بازده مورد انتظار، پیش‌بینی سود یا پیش‌بینی جریان‌های نقدی، پیش‌بینی عایدات سرمایه‌ای، پیش‌بینی تغییرات در بازده مورد انتظار، پیش‌بینی تغییرات در سود خالص، پیش‌بینی تغییرات در جریان‌های نقدی و پیش‌بینی تغییرات در عایدات سرمایه‌ای، مهیا می‌شود. هم‌چنین می‌توان اثر این نوع اطلاعات را بر وحدت نظر و اجماع خبرگان مالی در زمینه مخاطره و بازده سرمایه‌گذاری سنجید.

این در حالی است که بررسی واکنش‌های متغیرهای مختلف بازار سرمایه در قبال افشای

اطلاعات مالی قسمت‌ها و نیز سنجش امکان دستیابی به بازده غیر عادی با استفاده از این نوع اطلاعات زمینه دیگری است که امکان بررسی و مطالعه در آن وجود دارد. در نهایت آن که اجرای پژوهش‌هایی در زمینه شناسایی دشواری‌های ناشی از اجرای الزامات استاندارد حسابداری شماره ۲۵ و سنجش دیدگاه‌ها و آرای مدیران واحدهای تجاری در زمینه افشای این نوع اطلاعات نیز موضوعی است که امکان بررسی در آن مهیا خواهد بود.

اما مشخص‌ترین پیشنهاد به پژوهشگران در زمان حاضر آن است که با اتکا بر الگوهای معرفی شده و به کار رفته در این پژوهش و استفاده از جامعه آماری اعتباردهندگان بالفعل و بالقوه در ایران یا جامعه جانشین مناسبی برای آن، اقدامات پژوهشی تکمیلی را به عمل آورده و نتایج حاصل شده را با دستاوردهای پژوهش حاضر به مقایسه بگذارند.

## منابع و مآخذ

- ۱- آذر، عادل و منصور مؤمنی (۱۳۷۷)؛ آمار و کاربرد آن در مدیریت (تحلیل آماری)؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ۲- ابن شهر آشوب، مرتضی و میکائیلی، فتاح (مترجمان) (۱۳۶۶)؛ مفاهیم و روش‌های آماری (جلد دوم)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- دلاور، علی (۱۳۷۴)؛ مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ تهران: انتشارات رشد.
- ۴- کمیته فنی سازمان حسابرسی (الف) (۱۳۸۰)؛ اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی، استانداردهای حسابداری، مفاهیم نظری گزارشگری مالی؛ تهران: سازمان حسابرسی.
- ۵- \_\_\_\_\_ (ب). (۱۳۸۱)؛ اصول و ضوابط لازم‌الاجرای حسابداری و حسابرسی، متن پیش‌نویس استاندارد حسابداری شماره ۲۵؛ گزارشگری بر حسب قسمت‌های مختلف، تهران: سازمان حسابرسی.
- ۶- \_\_\_\_\_ (پ) (۱۳۸۰)؛ شرکت سهامی عام نمونه - صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳×۲؛ تهران: سازمان حسابرسی.

- Reporting, Principles*. London: ASB.
- 8- Bailey, K.D. 1987. *Methods of Social Research*. New York, NY: The Free Press.
- 9- Canadian Institute of Chartered Accountants (CICA). 1998. *CICA Handbook*, General Accounting, Section 1000, Financial Statement Concepts. Toronto: CICA.
- 10- Financial Accounting Standards Board (FASB). 1978. Objectives of Financial Reporting by Business Enterprises, *Statement of Financial Accounting Concepts No. 1*. Stamford, Conn: FASB.
- 11- Helfert, E. A. 1997. *Techniques of Financial Analysis - A Modern Approach*. New York, NY: Richard D. Irwin Book Company.
- 12- Kochanek, R. 1974. Segmental Financial Disclosure by Diversified Firms and Security Prices. *The Accounting Review* (49): 245-258.
- 13- Markowitz, H. 1952. Portfolio Selection. *Journal of Finance* (7): 77-91.
- 14- Marschak, J., and R. Radner. 1971. *Economic Theory*. New Haen, Conn: Yale University Press.
- 15- Mc.Guigan, F.J. 1990. *Experimental Psychology*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall International.
- 16- Mohr, R. M. 1983. The Segmental Reporting Issue: A Review of Empirical Research. *Journal of Accounting Literature* (2): 39-71.
- 17- Ortman, R. F. 1975. The Effects on Investment Analysis of Alternative Reporting Procedure for Diversified Firms. *The Accounting Review* (50): 298-304.
- 18- Ross, S. A., R. W. Westerfield and J. F. Jaffe. 1990. *Corporate Finance*. Homewood, Ill: Richard D. Irwin Inc.
- 19- Stallman, J. 1969. Toward Experimental Criteria for Judging Disclosure

Improvement. in *Empirical Research in Accounting: Selected Studies*,  
Supplement to the *Journal of Accounting Research* (7): 29-43.

20- Stewart, G.B. 1991. *The Quest for Value*. Haper Collins Publisher Inc.